بسمه‌تعالی

کتابچه انتخابات ریاست‌جمهوری 1400

***«علاج دردهای مزمن کشور در پرشور بودن انتخابات و حضور عمومی مردم و بعد، انتخاب اصلح، انتخاب شخصیت مناسب در انتخابات ریاست جمهوری است.»*** (امام خامنه­ای، 29/11/1399)

**فهرست**

[مقدمه](#_Toc15591887).............................................................................................................................

[بخش اول- اهمیت انتخابات در جمهوری اسلامی ایران........................................................................](#_Toc15591888)

بخش دوم- اهمیت انتخابات از نگاه امام و رهبری.................................................................................

بخش سوم- نقش سرنوشت­ساز ریاست­جمهوری در نظام جمهوری اسلامی ایران..................................

بخش چهارم- جایگاه ریاست‌جمهوری در کلام رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی).................................

بخش پنجم- اهمیت انتخابات ریاست‌جمهوری پیش­رو........................................................................

بخش ششم- شورای نگهبان و انتخابات ریاست‌جمهوری.....................................................................

بخش هفتم- راهبردهای عمومی مقام معظم رهبری در انتخابات ..........................................................

بخش هشتم- وضعیت اثرگذار بر انتخابات سیزدهمین دوره ریاست‌جمهوری.......................................

بخش نهم- شاخص­های رئیس‌جمهور مناسب برای علاج دردهای مزمن کشور....................................

بخش دهم- گونه‌های رأی فرصت سوز........................................................................................................

بخش یازدهم- پیامدهای عدم دقت در انتخاب رئیس‌جمهور اصلح..............................................................

بخش دوازدهم- چگونگی دستیابی به نامزد اصلح ریاست‌جمهوری.............................................................

بخش سیزدهم- انتظار از خانواده بزرگ ن.م. در انتخابات سیزدهمین دوره ریاست‌جمهوری.........................

**مقدمه**

بی‌تردید « نظام مردم‌سالاری دینی» بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب شکوهمند اسلامی است که با تغییر «حکومت استبدادی پادشاهی» به‌دست‌آمده و امروز درکشور عزیزمان، مردم به معنای واقعی کلمه بر سرنوشت خویش حاکم هستند.

نماد حاکمیت مردمی در ایران اسلامی هم انتخابات است که امکان اعمال‌نظر و اراده سیاسی مردم را در قالب «رأی» فراهم کرده و رأی مردم هرچه باشد، در سرنوشت سیاسی کشور ساری و جاری می‌شود. همان‌گونه که فرمانده معظم کل قوا(مدظله­العالی) فرمودند: «امروز حاکم بر سرنوشت ملت ایران، خود مردم‌اند، مردم‌اند که انتخاب می‌کنند، ممکن است خوب انتخاب کنند، ممکن است بد انتخاب کنند، اما مردم انتخاب می‌کنند، این خیلی چیز مهمی است.» این‌گونه است که مردم در تبیین سرنوشت سیاسی کشور سهیم بوده و صاحب نقشی هستند که قابل‌انکار نیست.

اینک در آستانه برگزاری سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری قرار داریم که با توجه به اختیارات و وظایف گسترده و بسیار مهم رئیس‌جمهور و کابینه‌اش، میزان حضور و مشارکت در انتخابات و نوع انتخاب ما می‌تواند، تعیین‌کننده نوع حرکت کشور در چله دوم انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. به‌ویژه اینکه در سالیان پیش رو، نسل اول انقلاب از دور مدیریت خارج و نسل‌های بعد جایگزین آنان شده و چنین انتقالی از عالی‌ترین سطح مسئولیتی تا سایر سطوح متصور بوده و همین موضوع، طمع دشمنان و صرافت عناصر نفوذی و نیروی بریده از انقلاب و دلداده به تفکرات سکولاریستی و تشنگان نرمالیزاسیون (عادی‌سازی به معنای عبور از انقلاب و انقلابی گری) را برانگیخته است.

یعنی دقیقاً همان مجموعه‌ای که شرایط چالشی امروز را بر کشور و مردم تحمیل کرده‌اند، به دنبال فرصت‌طلبی از انتخابات برای عبور از گفتمان انقلاب و تثبیت گرایش غرب­گرایانه برآمده و تغییرات در کاخ سفید و فشار بر مردم را ابزاری برای پیشبرد این هدف انتخاباتی تلقی می‌کنند.

حال‌آنکه انتخابات پیش رو فرصتی برای تقویت اقتدار ملی در برابر دشمنان و معاندان و همچنین حل مشکلات و درمان‌هایی است که در صورت انتخاب آگاهانه و گزینش نامزد شایسته یا همان انتخاب اصلح حاصل خواهد شد. درواقع انتخابات پیش رو فرصتی برای تغییر ریل مدیریت کشور با روی کار آمدن دولتی پرتلاش، کاری، پرنشاط و انقلابی است که می‌تواند بر سرعت پیشرفت کشور بیافزاید و عقب‌ماندگی‌های ناشی از عملکرد غیرانقلابی همراه با سستی و تنبلی و حاکمیت روحیه شاه سلطان حسینی را جبران کند. کما اینکه تاکنون هر جا مسئولان انقلابی، پرتلاش، خستگی‌ناپذیر و شیفته خدمت چون؛ شهیدان سلیمانی، شهریاری و فخری زاده میدان‌دار بوده‌اند پیش‌روندگی و توفیق موج زده است و هر جا ارزش‌های دینی، انقلابی و میهنی مورد غفلت قرارگرفته و تنبلی و طمع توجیه‌گر رویه حل مشکلات با تنظیم روابط براساس معیار‌های حاکم بر مدیریت عاریتی و مبتنی بر الگوی غربی و حرکت بر مدار نظم جهانی استکباری بوده، به‌شدت عقب‌ماندگی و حتی تحقیر رقم خورده است.

انتخابات پیش رو را فرمانده معظم کل قوا(مدظله­العالی)، فرصت و ظرفیتی برای افزایش امنیت با حضور و مشارکت پرشور و تضمین آینده کشور با انتخاب اصلح معرفی فرموده‌اند. بر ما سربازان ولایت است که با تأسی به هم‌سنگران شهیدمان در این عرصه سرنوشت‌ساز، سربازی را به احسن وجه دنبال نموده، با مشارکت همگانی در انتخابات و تشویق سایرین به حضور، با رأی آگاهانه و توجه به مصالح نظام و منافع ملی زمینه انتخاب رئیس‌جمهوری را فراهم کنیم که عزت دینی و غرور ملی را ارتفاع و با کارآمدی و پاسخ‌گویی به مطالبات بر حق مردم، رضایت‌مندی عمومی و امنیت پایدار را استحکام بخشد. انشاءا...

**علی سعیدی**

**رئیس دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا**

**اسفند 1399**

**بخش اول- اهمیت انتخابات در جمهوری اسلامی ایران**

مقوله انتخابات به‌عنوان یکی از ارکان مردم‌سالاری، در کشورهایی که از نوعی نظام جمهوری مبتنی بر شیوه دموکراسی و آراء مردم برخوردارند و مردم در شکل‌گیری ارکان حکومت نقش اصلی را ایفا می‌کنند، اهمیت بسیار زیادی دارد و راهکار عمده این‌گونه نظام‌ها برای جلب مشارکت و حضور مردم به‌حساب می‌آید. به عبارتی یکی از ابزارهای فراهم آورنده حضور و مشارکت مردم در یک نظام مردم‌سالار، برگزاری انتخابات و برگزیدن افراد لازم برای تصدی مسئولیت‌ها است تا از این طریق اراده جمعی مردم در ارکان نظام تحقق عملی پیدا کند.

سابقه انتخابات در ایران به‌طور کلی به دوران نهضت مشروطه (سال 1285 ش) برمی‌گردد. نهضت مشروطه، واکنشی اعتراضی به استبداد و خودکامگی قدرت یا استبداد مطلقه بود. در نظام‌ استبدادی، اراده ملت در امور کشور نقشی نداشت و تمام امور در دست شاه متمرکز بود. به عبارتی، قوای سه‌گانه امروزی، یعنی قوای مقننه، مجریه و قضاییه، همه در اختیار شاه بود و او تصمیم‌گیری می‌کرد، مردم رعیت شاه محسوب می‌شدند و نظر آن‌ها در مدیریت و حاکمیت تأثیری نداشت. پیروزی انقلاب مشروطه موجب شکل­گیری اولین نهادهای مدنی در کشور شد: نظام استبدادی مطلقه به مشروطه سلطنتی تبدیل و از قدرت شاه کاسته شد؛ نهاد دولت و کابینه وزرا به‌عنوان قوه مجریه به‌طور رسمی شکل گرفت؛ پارلمان یا مجلس شورای ملی تأسیس و کشور دارای قانون اساسی شد؛ احزاب و روزنامه‌ها پدید آمدند و همچنین مسئله انتخابات که در قانون اساسی مشروطه پیش‌بینی‌شده بود، مطرح شد. البته این انتخابات عمدتاً مربوط به تشکیل مجلس شورای ملی می‌شد که از گشایش اولین مجلس پس از انقلاب مشروطه در سال 1285 شمسی تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال 1357، یعنی از اواخر قاجاریه و در طول حکومت پهلوی (حدود 72 سال) تعداد هفده دوره مجلس شورای ملی با هفده انتخابات تشکیل گردید که البته به گواه تاریخ بیشتر یک اقدام صوری و شکلی بود تا انتخابات واقعی و در این انتخابات‌ها اراده مردم کمترین نقش را در نتایج نهایی داشت. درواقع، ازآنجاکه در نظام مشروطه، پادشاه محوریت داشت و نظام جمهوری در میان نبود، انتخابات نیز معنای چندانی نداشت.

در طول تاریخ ایران، نخستین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی انتخابات به معنای واقعی برگزار شد. این انقلاب اسلامی بود که «مدیریت کشور را از یک حکومت استبدادی پادشاهی و فردی تبدیل کرد به یک حکومت مردمی و جمهوریت و مردم­سالاری. امروز حاکم بر سرنوشت ملت ایران خود مردم‌اند. مردم‌اند که انتخاب می­کنند، ممکن است خوب انتخاب کنند، ممکن است بد انتخاب کنند، اما مردم انتخاب می­کنند.»(امام خامنه­ای، 29/11/1399)

به‌طورکلی انتخابات از جنبه‌های حقوقی، سیاسی، ملی و دینی برای نظام جمهوری اسلامی و مردم اهمیت دارد. از جنبه حقوقی به‌عنوان یک اصلی بدیهی، در نظام‌های مبتنی بر اراده ملت، انتخابات حق طبیعی مردم است. مردم با این حق، اراده خویش را در حاکمیت اعمال و سرنوشت کشور خود را با حضور فعالانه و مشارکت آگاهانه، تعیین می‌کنند. مردم با شرکت در انتخابات نوعی نظارت بر امور و مسیر حرکت جامعه خود اعمال نموده و سلامت روند عمومی کشور خود را تأمین می‌کنند؛ و البته این امر، وظیفه و مسئولیت سنگینی نیز بر عهده آن‌ها قرار داده که همان حضور و مشارکت در انتخابات است.

فصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی دربرگیرنده حق ملت در اداره امور کشور می‌باشد. اصل اول از فصل اول، نوع حکومت ایران را "جمهوری اسلامی" اعلام کرده که ملت ایران با دادن رأی آن را تحقق بخشیده‌اند؛ بنابراین به لحاظ حقوقی این نظام مبتنی بر اراده، حضور و انتخاب ملت است. علاوه بر شکل بخشیدن به‌نظام، تثبیت و تداوم ارکان مختلف آن در روند حیات نظام نیز بر عهده مردم گذاشته‌شده است. در اصل ششم فصل اول قانون اساسی آمده است که: «در جمهوری اسلامی، امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود از راه انتخابات، مثل انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر آن‌ها.» این اصل نشان می‌دهد که آراء عمومی در همه ارکان مهم نظام مطرح است. در اصل 56 فصل پنجم همین قانون تحت عنوان حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن آمده که حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است و هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید (یعنی انتخابات مختلف) اعمال می‌کند. در اصل 59 هم حل­وفصل مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم عملی می‌داند. بر اساس اصل 62، مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به‌طور مستقیم و بارأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد و اصل 114 نیز درباره رئیس‌جمهور است که با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود. بنابراین انتخاب حق قانونی مردم و حقی است که خداوند با حاکم کردن انسان‌ها بر سرنوشت اجتماعی‏شان بر عهده آنان گذاشته است. راهکار اجرایی برای رقم زدن این سرنوشت سیاسی و اجتماعی، مشارکت در امور جامعه و صحنه‌های مختلف انتخابات است که از این طریق، مردم حق الهی و قانونی خود را به منصه ظهور رسانده و اعمال می‌نمایند.

از جنبه سیاسی، انتخابات نشان‌دهنده آگاهی و شعور سیاسی مردم یک جامعه و حساسیت‌ آن‌ها به سرنوشت خود و نظام سیاسی است که در آن به سر می‌برند. در بعد داخلی، انتخابات اراده ملی را به معرض نمایش گذاشته و نشان می‌دهد که مردم از اتحاد، یکپارچگی و عزم ملی برخوردارند و در بعد خارجی نیز اقتدار ملی و شوکت سیاسی آن‌ها را به جهانیان نشان می‌دهد. به همین جهت، کشورهای دیگر بر اساس میزان آراء و حضور مردم و حساسیت‌های آن‌ها در اموری که قوام دهنده یک نظام مدنی است، روابط خود را با آن‌ها تنظیم می‌کنند. از جنبه ملی نیز انتخابات مهم است؛ اگر ملتی خواهان عزت و سربلندی است ناگزیر باید در اموری که به کشور مربوط می‌شود، اراده ملی و روح جمعی خود را به نمایش بگذارند و از هویت ملی خویش حراست کند. بی‌شک انتخابات تجلی‌گاه ظهور این اراده جمعی است و یکی از فصول مهم میثاق ملی جمهوری اسلامی ایران یعنی قانون اساسی، «انتخابات» است که ما را به حضور در آن ملزم می‌کند. علاوه بر این موارد، در جامعه ما که جامعه‌ای اسلامی است، مسئولیت و تکلیفی مهم‌تر و بالاتر نیز بر عهده مردم قرار دارد که عبارت است از تکلیف شهروندان مسلمان در برابر خدا، احکام و مقررات دینی. ازاین‌رو، **باآنکه شرکت مردم در انتخابات طبق قانون اساسی، یک حق قانونی، سیاسی و ملی است، اما در یک جامعه دینی یک وظیفه دینی نیز محسوب می‌شود که سرنوشت جامعه اسلامی با آن رقم می‌خورد و زمامداران و کارگزاران شایسته برای تصدی مسئولیت‌ها از این طریق برگزیده می‌شوند.**

**بخش دوم- اهمیت انتخابات از نگاه امام و رهبری**

مسئله انتخابات به‌واسطه اهمیت بالای خود در نظام جمهوری اسلامی همواره و از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در کانون توجه بنیان‌گذار کبیر نظام و خلف صالح ایشان قرار داشته و با حساسیتی خاص پیگیری شده است. بررسی رهنمودها و بیانات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله­العالی) نشان می‌دهد موضوع انتخابات از جهات مختلف موردتوجه ایشان قرارگرفته و این موضوع در مجموعه بیانات ایشان در محورهای مختلف قابل دسته­بندی است.

**1- انتخابات، جلوه حضور و مشارکت مردمی**

حضرت امام خمینی(ره)، پیاده‏سازی آرمان‌های اسلام را در سایه استقرار نظام اسلامی، با مشارکت حداکثری توده‌های مردم میسر می­دانستند. رویکرد حضرت امام(ره) در خصوص مشارکت سیاسی و انتخابات، حضور حداکثری مردم و انجام تکلیف آنان بود. حضرت امام(ره) در اهمیت حضور ملت می‌فرمایند:

«از مسائلی که ما در پیش داریم، الان قضیه انتخابات رئیس‌جمهور است. من کار ندارم کی رئیس‌جمهور می‌شود، به من مربوط نیست، من خودم یک رأی دارم به هرکه دلم می‌خواهد می‌دهم، شما هم همین‌طور. اما اگر بخواهید در مقابل دنیا اظهار حیات بکنید که بگویید ما بعد از گذشتن چندین سال زنده هستیم، باید مشارکت کنید. اگر خدای‌نخواسته از عدم مشارکت شما یک لطمه‌ای بر جمهوری اسلامی وارد بشود، بدانید که آحاد ما که این خلاف را کرده باشیم خدای‌نخواسته مسئول هستیم؛ مسئول پیش خدا هستیم. مسئله، مسئله ریاست‌جمهور نیست؛ مسئله، مسئله اسلام است؛ مسئله، مسئله قواعد اسلام است؛ مسئله، مسئله حیثیت اسلام است».(صحیفه امام، جلد19، ص328)

ایشان با بیان این‌که ما مأمور به تکلیف هستیم و نتیجه فرع آن است، تأکید داشتند یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام و مصالح کشور، حضور در حوزه‏های انتخابیه و رأی دادن به نمایندگان صالح، کاردان و مطلع بر اوضاع سیاسی جهان و سایر چیزهایی که کشور به آن‌ها احتیاج دارد، می‌باشد.[[1]](#footnote-1) حضرت امام(ره) همچنین تأکید داشتند که شرکت در انتخابات وظیفه‌ای الهی، ملی و انسانی است.[[2]](#footnote-2) ایشان همچنین درجایی دیگر فرموده­اند:

«وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات چه انتخاب رئیس‌جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر درصحنه باشند.» (صحیفه امام، جلد 21، صفحه ۴۲۱)

**2- انتخابات به‌مثابه فرصتی برای تجدیدقوای نظام**

رهبر معظم انقلاب اسلامی(مدظله‌العالی) نیز همواره توجه ویژه­ای نسبت به مقوله انتخابات داشته و با تأکید بر حضور حداکثری ملت در انتخابات، این موضوع را فرصتی برای تجدیدقوای نظام می‌دانند:

«انتخابات تزریق خون تازه در کالبد نظام جمهوری اسلامی است؛ تجدیدقوا و تجدید نیرو برای ملّت است… انتخابات یعنی این؛ یعنی یک روح جدید، یک خون تازه و یک‌نفس نو به کشور و به ملّت و به مردم دادن؛ انتخابات این است.»(امام خامنه­ای، 19/11/1394)

همچنین معظم­له درجایی دیگر می‌فرمایند: «انتخابات درواقع یک‌نفس تازه دادن به ملت ایران است؛ [ملت ایران] یک‌نفس تازه­ای پیدا می‌کند، طبیعت انتخابات این است. اینکه ملت ایران بیایند تک­تک وارد میدان بشوند و رأی بدهند [که] آقا عقیده من این است، فلانی باید مسئول باشد – حالا چه در ریاست‌جمهوری، چه در مجلس شورای اسلامی، چه مجلس خبرگان؛ هرکدام از این‌ها جداگانه در جای خود اهمیت فراوانی دارد – هر فردی از آحاد ملت که این احساس مسئولیت را بکند، خودش یکی از آن عناصر حفظ‌کننده انقلاب است.»(امام خامنه­ای، 19/10/1394)

**3- انتخابات، مظهر اراده مردم**

ازنظر مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) انتخابات مظهر و تجلی­گاه اراده و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود است. ایشان در کلامی می‌فرمایند: «انتخابات مظهر هر سه باوری است که در امام وجود داشت و باید در ما وجود داشته باشد: مظهر خداباوری است، چون تکلیف است. وظیفه ما است، تکلیف ما است که در سرنوشت کشور دخالت کنیم؛ تک‌تک آحاد ملت این تکلیف را دارند. مظهر مردم­باوری است، چون انتخابات مظهر اراده آحاد مردم است؛ مردم‌اند که مسئولان کشور را به این وسیله انتخاب می‌کنند و مظهر خودباوری است، چون هرکسی که رأی در صندوق می‌اندازد، احساس می‌کند که به سهم خود در سرنوشت کشور دخالت کرده است، به سهم خود تعیین کرده است؛ این خیلی چیز مهمی است. پس انتخابات هم مظهر خداباوری است، هم مظهر مردم­باوری است، هم مظهر خودباوری است.»(امام خامنه­ای، 14/3/1392)

همچنین معظم­له در جایی دیگر بر این نکته چنین تأکید می‌کنند: «انتخابات، مسئله بسیار مهم و اساسی و تعیین‌کننده‌ای است. اهمیت انتخابات از جهات گوناگونی است. یکی از آن‌ها این است که نظام ما نظامی است متکی به ایمان­ها و عواطف و علایق مردم.»(امام خامنه­ای، 14/11/1374)

**4- انتخابات، عرصه بروز همبستگی و وحدت**

رهبر معظم انقلاب(مدظله­العالی) همواره بر وحدت و همبستگی آحاد مردم در راستای تحقق اهداف نظام تأکید داشته و انتخابات را عرصه­ای برای ظهور این مهم می‌دانند: «انتخابات یکی از میدان­های مهم همبستگی است. درباره انتخابات حرف زدیم، همه حرف زدند و تا وقت انتخابات هم باز هرچه لازم باشد، عرض خواهیم کرد. آنچه مهم است، این است که مردم در این میدان گزینش، همبستگی خود را نشان دهند. ملت ایران این فرصت گزینش را تا قبل از انقلاب اسلامی در هیچ دوره­ای نداشت؛ انقلاب اسلامی است که این فرصت را در اختیار ملت ایران گذاشته است.»(امام خامنه­ای، 3/3/1384)

«انتخابات می‌تواند عرصه ظهور و بروز وحدت، عقلانیت و شعور ملی باشد. اگر انتخابات به‌گونه‌ای باشد که گروه‌های سیاسی در یک رقابت مثبت برای خدمتگزاری به مردم، سهم متناسب و لایق خود را به دست آورند، این انتخابات زمینه­ساز نشاط و پیشرفت جامعه خواهد بود.»(امام خامنه­ای، 21/7/1386)

**5- انتخابات، شاخص و عاملی حیاتی برای نظام**

از نظر مقام معظم رهبری(مدظله­العالی) انتخابات شاخص مهم نظام است که همواره مورد طمع دشمنان قرار داشته است: «انتخابات، شاخص و علم نظام جمهوری اسلامی است. به کوری چشم دشمن­ها، ما الحمدلله انتخابات را بدون اندک تأخیری، همیشه سروقت انجام دادیم؛ این خیلی مهم است. از سال ۵۸ که اولین انتخابات انجام‌گرفته است تا امروز، سی و یکی دو تا انتخابات انجام‌گرفته؛ سروقت، با دقت. واقعاً خودشان را کشتند که شاید بتوانند در یک برهه­ای انتخابات مجلس را عقب بیندازند، اما نتوانستند.» (امام خامنه­ای، 8/3/1390)

همچنین معظم­له انتخابات را عاملی حیاتی برای نظام ارزیابی می‌کنند که موجودیت نظام به آن وابسته است. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «انتخابات حياتی است؛ نه اين انتخابات بالخصوص، [بلكه] همه‌ انتخابات‌های كشور، بخصوص انتخابات رياست جمهوری كه از همه مهم‌تر است، در همه‌ دوره‌ها، واقعاً برای كشور حياتی است؛ هم به لحاظ نفس انتخابات مهم است – كه اين يك مقوله‌ مهمی است؛ خب جمهوری اسلامی است؛ جمهوری، ما جمهوری هستيم؛ مناصب ما و مقامات ما برآمده‌ از جمهور ملت است، از مردم است؛ اين را بايستی ما باکمال دقت حفظ كنيم، اين خيلی باارزش است؛ اگر اين [انتخابات] در نظام جمهوری اسلامی وجود نمی‌داشت، امروز از نظامی كه با آن انقلاب به وجود آمد، خبری باقي نبود، اين خيلی مهم است.» (امام خامنه­ای، 17/2/1396)

**6- انتخابات، هم حق و هم تکلیف**

از نگاه رهبر معظم انقلاب(مدظله­العالی): «انتخابات یک حق است و یک وظیفه است. ما هرکدام­مان به‌عنوان یک فرد از افراد این ملت، هم حق‌داریم در انتخابات شرکت کنیم، هم وظیفه‌داریم. آن‌کسانی که به‌نظام جمهوری اسلامی معتقدند، قانون اساسی را قبول دارند، هم از این حق می‌خواهند استفاده کنند، هم این وظیفه را می‌خواهند انجام دهند. همه باید این وظیفه را انجام دهند.»(امام خامنه­ای، 19/10/1391)

**7- انتخابات، نقطه اساسی وصل افکار مردم به بدنه نظام اجرایی**

مقام معظم رهبری(مدظله­العالی) انتخابات را نقطه اتصال خواست و اراده مردم به‌نظام اجرایی کشور دانسته و ازاین‌جهت حائز اهمیت می‌دانند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «آنچه امروز مطرح است و لازم است با شما برادران عزیز وزارت کشور و استانداران و فرمانداران و معاونان سیاسی و کارکنان وزارت محترم کشور مطرح بشود، این است که انتخابات، با همان جایگاه اساسی خود در نظام جمهوری اسلامی، همواره موردتوجه باشد. انتخابات، آن نقطه‌ اساسی وصل افکار و آرای مردم به بدنه‌ نظام اجرایی است. اگر انتخابات – همچنان که بحمدالله درگذشته همین‌طور بوده است – با حضور مردم، با اراده‌ی مردم، با آزادی کامل مردم و انتخاب آزادانه‌ آن‌ها انجام بگیرد، و بخصوص اگر ان‌شاءالله در این انتخاب، حداکثر آگاهی از سوی مردم به کار برود، تا این‌که افراد صالح و شایسته و حقیقتاً حائز شأن نمایندگی این ملت عظیم، به مجلس فرستاده بشوند، نظام اسلامی می‌تواند مطمئن باشد که در جهت آرزوها و هدف‌های خود درحرکت است. این، نقش انتخابات و شأن والای انتخابات است.»(امام خامنه­ای، 27/9/1370)

**8- انتخابات، مؤثرترین وسیله برای تحقق آرمان‌ها**

مطالبات و آرمان‌های فردی و ملی را باید از مهم‌ترین انگیزه‌های مشارکت افراد در عرصه‌های مختلف اجتماعی دانست. از نگاه رهبر معظم انقلاب(مدظله­العالی) «انتخابات جلوه‌ی بسیار زیبا و جذاب مشارکت عمومی است؛ مؤثرترین وسیله برای این است که هر فردی بتواند آرمان‌ها و خواست‌ها و مطلوب خود را در قالب اجرایی قرار دهد و آن را به تحقق نزدیک کند. اگر کسی را طبق آرمان‌ها و آرزوهای خودتان انتخاب کردید، این امکان که آن آرزوها تحقق پیدا کند، به واقعیت نزدیک می‌شود. کسی که فکر می‌کنید برای تحقق خواست‌ها و آرزوها و گشودن گره‌های مهمی که برای شما در زندگی مطرح است، مناسب و شایسته است، وقتی او را انتخاب کردید، درواقع بلندترین قدم را برداشته‌اید؛ برای این‌که این مشکلات از بین برود. هر خواسته‌­ای – چه مادی و چه معنوی – در این انتخاب و در تعیین مسئول قوه‌ اجرایی می‌تواند تحقق پیدا کند.»(امام خامنه­ای، 11/2/1384)

**9- انتخابات، مایه کند شدن حربه دشمن**

دشمنان و معاندان همواره در پی ضربه زدن به‌نظام از راه‌های گوناگون هستند و طبیعتاً انتخابات به‌واسطه اهمیت ذاتی خود بیش از دیگر عرصه‌ها، نگاه طمع ورزانه آنان را به خود جلب می‌کند. رهبر معظم انقلاب(مدظله­العالی) از این منظر، انتخابات و برگزاری آن را مایه شکست دشمنان و مصونیت بخشی به‌نظام ارزیابی می‌کنند: «دشمنان ما می‌خواهند اصلاً انتخابات برگزار نشود. چرا؟ برای این‌که بتوانند شاهدی بیاورند که در ایران مردم‌سالاری و دموکراسی نیست. وقتی ما انتخابات برگزار می‌کنیم، حربه‌ آن‌ها کند می‌شود. بنابراین اولین خواسته‌های آن‌ها برگزار نشدن انتخابات است؛ کما این‌که زمان برگزاری انتخابات مجلس هفتم هم تلاش کردند انتخابات را تعطیل کنند؛ اما خدا نگذاشت. آن‌ها خیلی تلاش کردند؛ انواع و اقسام راه‌ها را پیمودند و بعضی از عناصر غافل داخلی را هم به کار گرفتند؛ اما «اِنّهُم یَکیدونَ کَیداً وَ اَکیدُ کَیدا» خدای متعال مکر آن‌ها را پاسخ داد و جلواش را گرفت و بحمدالله انتخابات خوب برگزار شد. در این انتخابات هم اولین هدف آن‌ها این است که انتخابات برگزار نشود.»(امام خامنه­ای، 19/2/1384)

«انتخابات می‌تواند برای کشور و ملت ما یک وسیله‌ مصونیت و یک نمودار اقتدار باشد و ملت و نظام اجرایی کشور را در مقابله‌ با چالش‌های گوناگون جهانی، از گذشته مستحکم‌تر کند. انتخابات می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را جوان‌تر ازآنچه هست، بکند. انتخابات پرشور از سوی مردم می‌تواند روز نویی را برای آن‌ها رقم بزند. انتخابات، هم درصحنه‌ خارجی و در مقابل چشم بیگانگان، هم درصحنه‌ داخلی، و هم برای پیشرفت کشور، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین رویدادهاست. دشمن می‌خواهد انتخابات نباشد. اگر می‌توانستند روی مردم و یا گروه‌های سیاسی اثر بگذارند، کاری می‌کردند که اصلاً انتخابات برگزار نشود.»(امام خامنه­ای، همان)

**10- انتخابات ریاست جمهوری، مظهر آزادی و قدرت انتخاب و رشد ملت ایران**

رهبر معظم انقلاب(مدظله­العالی) انتخابات ریاست جمهوری را مهم‌تر از سایر موارد مشابه دانسته و معتقدند: «مسئله اصلی که امروز در نظر دارم عرض کنم، مسئله انتخابات است که مسئله بسیار مهمی است. انتخابات را یک حادثه کوچک نگیرید. همه انتخاب‌های کشور همین‌طور است؛ اما انتخاب ریاست جمهوری مهم‌تر است... انتخابات ریاست جمهوری، مظهر آزادی و قدرت انتخاب و رشد ملت ایران است.» (امام خامنه­ای، 28/2/1380)

**11- تأثیر بلندمدت انتخابات**

ازجمله تصورات نادرستی که موجب می‌شود افراد در انتخاب فرد اصلح برای ریاست جمهوری دقت لازم را به خرج ندهند، تصور انتخابات و انتخاب رئیس‌جمهور به‌عنوان یک رویداد با تأثیرات کوتاه‌مدت است. رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) این تصور نادرست را چنین اصلاح می‌کنند: «انتخابات یک حادثه‌ یک‌روزه است، ظرف یک روز انجام می‌گیرد؛ اما از آن حوادثی است که تأثیر آن، تأثیر بلندمدت است. انتخابات ریاست جمهوری را شما در ظرف یک روز انجام می‌دهید، اما اولاً کسی را یا کسانی را برای مدت چهار سال بر سرنوشت کشور و جریان‌های عمده‌ کشور حاکم می‌کنید؛ ثانیاً دامنه‌ تأثیر آن به همان چهار سال هم محدود نمی‌ماند. گاهی اوقات دولت‌ها کارهایی می‌کنند که تأثیرات آن تا سال‌ها باقی می‌ماند؛ چه‌کارهای خوب، چه خدای‌نکرده کارهای غیر خوب؛ تأثیر آن منحصر نمی‌ماند به آن چهار سال؛ مثل یک جریانی ادامه پیدا می‌کند. پس شما در یک روز یک حرکتی می‌کنید، یک انتخابی می‌کنید، یک اقدامی می‌کنید که تأثیر آن در کوتاه‌مدت، در چهار سال، و در بلندمدت، گاهی در چهل سال باقی می‌ماند؛ این‌قدر انتخابات مهم است.»(امام خامنه­ای، 25/2/1392)

**12- انتخابات، تضمین‌کننده آینده و امنیت کنونی**

از منظر مقام معظم رهبری(مدظله­العالی) «حضور در انتخابات یکی از مستحکم‌ترین وسیله‌هایی است که این ملت می‌تواند آن را مثل یک زره‌ پولادین در مقابل خود و در مقابل حمله‌ دشمنان و سوءنیت و بددلی مستکبران و دخالت کنندگان نگه دارد...»(امام خامنه­ای، 18/10/1382) مشارکت گسترده و حداکثری در انتخابات که شاخص اقتدار مردمی نظام است، برای دشمنان و بدخواهان به­خوبی معنی­دار است. «وقتی مردم در انتخابات شرکت کنند و شور انقلابی خودشان را نشان بدهند، این موجب امنیت کشور می­شود، این موجب پس زدن دشمنان می­شود، طمع دشمن را کم می­کند.»(امام خامنه­ای، 29/11/1399) زمانی که شور انتخاباتی باشعور و آگاهی همراه باشد، می­تواند کشور را بر ریل کارآمدی قرار داده و پیشرفت و ترقی را تأمین کند. با این نگاه، فرمانده معظم کل قوا(مدظله­العالی) معتقدند: «انتخابات برای کشور یک افتخار است، یک فرصت است، یک امکان است، یک ذخیره است که اگر شرکت پرشور مردم باشد، این یقیناً به آینده کشور کمک خواهد کرد. البته اگر این شرکت پرشور همراه بشود با یک انتخاب درست که حقیقتاً یک نیروی کارآمد و باایمان و پرانگیزه و علاقه‌مند به کار انتخاب شود به­وسیله مردم، خب این نورعلی­نور است و آینده کشور را تضمین خواهد کرد.»(همان)

**بخش سوم- نقش سرنوشت­ساز ریاست­جمهوری در نظام جمهوری اسلامی ایران**

ریاست­جمهوری در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، با برخورداری از وظایف و اختیارات و همچنین جایگاه ویژه در ساختار حاکمیتی، دارای نقشی تعیین­کننده و سرنوشت­ساز است که نه­تنها مقدرات کشور را در دوره­ای چهار یا هشت‌ساله رقم می­زند، بلکه می­تواند مسیر حرکت کشور را برای چند دهه ریل­گذاری کند. چنین نقشی به موارد زیر برمی­گردد:

**1- جایگاه ریاست‌جمهوری در ساختار نظام**

رئیس‌جمهور بر اساس اصل 113 قانون اساسی، پس از مقام رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد. وی بر اساس اصل 114، برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم و طبق اصل 117، با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود و نباید برای بیش از دو دوره متوالی در این سمت باقی بماند. نگاهی گذرا به وظایف رئیس‌جمهور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تا حدود زیادی اهمیت این جایگاه را مشخص کند.

در نظام‌ جمهوری اسلامی که بر اساس اصل تفکیک قوا شکل‌گرفته، قوه مجریه (که در رأس آن رئیس‌جمهور قرار دارد) یکی از قوای اصلی است که در کنار قوای مقننه و قضائیه، سه رکن حکومت را تشکیل می‌دهند. از اصول قانون اساسی که در مبحث مربوط به قوه مجریه پیش‌بینی‌شده، نقش و اهمیت این قوه قابل‌تشخیص است. در میان قوای سه‌گانه، قوه مجریه و نهادهای وابسته به آن بیشترین نقش را در تأمین استقلال کشور، حراست از حاکمیت و اقتدار ملی و ارزش‌های دینی و انقلابی، و همچنین کیفیت و وضعیت حیات جامعه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... دارند. مروری بر وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های این قوه و به‌ویژه وظایف رئیس‌جمهور در رأس آن، نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه این قوه در نظام جمهوری اسلامی ایران است.

**2- وظایف، اختیارات و کارکردهای رئیس‌جمهور**

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت‌های زیر بر عهده رئیس‌جمهور گذاشته‌شده و او پس از پیروزی در انتخابات و تنفیذ حکم خود توسط رهبری، بر انجام آن‌ها سوگند یاد می‌کند:

1) پاسداری از مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی

2) پاسداری از قانون اساسی کشور

3) به‌کارگیری همه استعدادها و صلاحیت‌های خود درراه ایفای مسئولیت‌های پذیرفته‌شده

4) خدمت به مردم و اعتلای کشور

5) ترویج دین و اخلاق

6) پشتیبانی از حق و گسترش عدالت

7) حمایت از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است

8) اقدام در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور

9) نگاهداری امانت مقدسی که ملت به او سپرده است و سپردن آن به منتخب ملت بعد از خود

همچنین در اصل 122 قانون اساسی آمده است که رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به‌موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد، در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است. بر اساس اصل 123 نیز رئیس‌جمهور موظف است که مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی، امضا کند و برای اجرا در اختیار مسئولان مربوطه بگذارد. اصل 125 نیز بر این امر تأکید دارد که امضای عهدنامه‌ها، مقاوله­نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او است. همچنین بر اساس اصل 126، رئیس‌جمهور مسئولیت امور برنامه‌وبودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می‌تواند اداره آن‌ها را به عهده دیگری بگذارد.

بر اساس اصول دیگر قانون اساسی، وظایف دیگری چون تعیین وزرا و معرفی آنان به مجلس برای گرفتن رأی اعتماد (اصل 133)، اعطای نشان‌های دولتی (اصل 129)، امضای استوارنامه سفرای کشور در دیگر کشورها و پذیرش استوارنامه سفرای خارجی (اصل 128)، ریاست هیئت‌وزیران و نظارت بر کار وزیران و هماهنگی تصمیمات وزیران و هیئت دولت و تعیین برنامه و خط‌مشی دولت و اجرای قوانین (اصل 132) و عزل وزرا و یا معرفی وزیر جدید و اخذ رأی اعتماد از مجلس (اصل 136)، ریاست شورای عالی امنیت ملی (اصل 176) و ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز بر عهده رئیس‌جمهوری گذاشته‌شده است.

با توجه به این شرح وظایف،‌ انتخاب‌ رئیس‌جمهور يعني‌ انتخاب مديری‌ كه‌ برای مدت چهار سال کلیه امکانات و ظرفیت‌های کشور را در اختیار داشته و علاوه بر پشتوانه مردمی و تنفیذ حکم توسط رهبری، سازوکارهای لازم برای به‌کارگیری این امکانات در جهت پیشرفت و اعتلای کشور (در تعامل با قوای مقننه و قضائیه) نیز بر اساس قانون به او اعطاشده است. بدین ترتیب رئیس‌جمهور – به‌عنوان دومین مقام کشور پس از مقام رهبری و اولین مقام اجرایی کشور – را باید مؤثرترين‌ عنصر برای‌ حل اکثریت‌ قریب‌به‌اتفاق مسائل‌ كشور دانست که در مقایسه با سایر‌ مسئولان‌ كشور، بر اساس قانون اساسی جایگاه و موقعیتی بی‌نظیر برای بهره‌گیری از امكانات‌ و توانایی‌ها برای خدمتگزاری‌ دارد. ازاین‌رو، كفايت‌ و توانايی‌های‌ او و کابینه تحت هدایتش را باید مهم‌ترین عامل در تعیین کمیت و کیفیت اجرای امور کشور در همه حوزه­ها در نظر گرفت‌. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت اداره همه امور کشور و اجرای کلیه قوانین و مقررات (جز در مواردی که در قانون مشخص‌شده) در تمامی حوزه­های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و...، و همچنین سرنوشت بسیاری از امور و البته کیفیت و کمیت زندگی و معیشت مردم در طول چهار سال بر عهده دولت به ریاست رئیس‌جمهور است که این خود نشان‌دهنده جایگاه مهم ریاست‌جمهوری در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. درواقع، افکار، رویکردها، جهت­گیری­ها، عملکرد و توانایی رئیس­جمهور به­طور مستقیم سرنوشت کشور و مردم را در همه ابعاد داخلی و خارجی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

همان‌طور که ملاحظه شد، بخش مهمی از مسئولیت‌ها و وظایف رسمی دولت و رئیس دولت در نظام اسلامی در قانون اساسی آمده است. نگاهی گذرا به سایر وظایف از دریچه قانون اساسی می‌تواند حدومرز انتظار امت اسلامی از کارگزاران دولتی و رئیس قوه مجریه را مشخص کند. این فهرست فقط شامل وظایفی است که در یک مرور سریع از قانون اساسی (و متن سوگند رئیس‌جمهور مندرج در اصل 121) استخراج‌شده است:

1- پاسداری از نظام جمهوری اسلامی

2- پشتیبانی از حق و گسترش عدالت

3- پرهیز از خودکامگی

4- استعانت از خدا در انجام وظایف

5- پیروی از پیامبر بزرگوار اسلام(صل الله علیه و آله) و ائمه اطهار علیهم‌السلام در نگهداری از امانت «قدرت» و سپردن آن به منتخب ملت پس از خویش

6- پاسخگو بودن در برابر «ملت»، «رهبر» و «مجلس شورای اسلامی»

7- به کار گرفتن همه امکانات برای ایجاد محیطی مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی

8- جلوگیری از شکل­گیری و گسترش فساد اداری و اقتصادی در کشور

9- دعوت به خیر و امربه‌معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک وظیفه متقابل ملت و دولت

10- پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی

11- تلاش پیگیر برای اتحاد و ائتلاف ملل اسلامی و وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام

12- پاسداری از حقوق زنان و حمایت از آنان طبق اصل 21 قانون اساسی

13- فراهم کردن امکان اشتغال و کار و تأمین شرایط مساوی برای احراز مشاغل

14- تأمین اجتماعی همگان در برابر بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه ماندگی، حوادث و سوانح و خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبت‌های پزشکی از طریق بیمه و غیره

15- تأمین آموزش‌وپرورش رایگان برای همه تا پایان دوره متوسطه و تأمین وسایل تحصیلات عالی تا سرحد خودکفایی کشور به‌صورت رایگان

16- تأمین مسکن هر فرد و خانواده به‌ویژه روستانشینان و کارگران

17- گردآوری و بهره‌برداری و نظارت بر انفال و توزیع عادلانه ثروت‌های عمومی

18- رفتار عادلانه و رعایت اخلاق انسانی در رفتار با اقلیت‌های دینی

19- پاسداری از زبان و خط و تاریخ و پرچم رسمی کشور

20- رعایت قانون در کلیه دریافت‌ها و پرداخت‌های دولتی

**3- وظایف و کارکردهای قوه مجریه**

اجرای کلیه امور جاری، برنامه­ها و قوانین و مقررات کشور در حوزه­های مختلف تخصصی، در قالب وزارتخانه‌ها، معاونت­ها، سازمان­ها و نهادهای مختلف، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، زیر نظر رئیس‌جمهور صورت می‌گیرد که این مجموعه را به‌عنوان قوه مجریه تعریف می‌کنند؛ ضمن این­که مسئولان دستگاه­های اجرایی یادشده نیز به­طور مستقیم و زیر نظر شخص رئیس­جمهور انتخاب می­شوند. به‌صورت کلی قوه مجریه دارای دو رکن اصلی است:

الف) وزارتخانه‌ها: که هر یک در زمینه خود به‌مانند یک بازوی عملیاتی ایفای نقش می‌کنند، در حقیقت خط مقدم اجرای قانون و برنامه­های مصوب هستند. در ایران فهرست وزارتخانه‌ها به شرح زیر است:

*وزارت آموزش‌وپرورش؛ وزارت اطلاعات؛ وزارت امور اقتصادی و دارایی؛ وزارت امور خارجه؛ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ وزارت جهاد کشاورزی؛ وزارت دادگستری؛ وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح؛ وزارت راه و شهرسازی؛ وزارت صنعت، معدن و تجارت؛ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ وزارت کشور؛ وزارت میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری؛ وزارت نفت؛ وزارت نیرو؛ وزارت ورزش و جوانان*

ب)معاونین و مشاورین ریاست‌جمهوری و سازمان‌ها و نهادهای وابسته: که برخی از مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر هستند:

*سازمان برنامه‌وبودجه؛ سازمان امور مالیاتی؛ سازمان نقشه‌برداری؛ سازمان اداری و استخدامی؛ سازمان حفاظت محیط‌زیست؛ سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی؛ سازمان انرژی اتمی؛ بانک مرکزی؛ نهاد ریاست‌جمهوری ایران؛ بنیاد شهید و امور ایثارگران؛ معاونت علمی و فناوری؛ معاونت امور زنان و خانواده؛ مرکز آمار ایران؛ ستاد بازسازی مناطق جنگ‌زده؛ ستاد مبارزه با مواد مخدر*

نگاهی اجمالی به فهرست بالا نشان می‌دهد که تقریباً هیچ امری از امور کشور را نمی‌توان یافت که به‌نوعی در ذیل دولت یا قوه مجریه تعریف‌نشده یا با این مجموعه مهم مرتبط نباشد.

**بخش چهارم- جایگاه ریاست‌جمهوری در کلام رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی)**

همان­طور که گفته شد، رئیس‌جمهور و ریاست جمهوری به دلایل مختلف از جایگاه بسیار ویژه­ای در نظام برخوردار بوده و عملکرد آن، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم کوتاه­مدت و بلندمدتی را بر جنبه­های مختلف زندگی مردم و حیات نظام دارد. نگاهی به مجموعه بیانات رهبر معظم انقلاب(مدظله­العالی) نیز حکایت از اهمیت این جایگاه دارد:

**1- مؤثرترین عنصر در حل مسائل کشور**

از نگاه رهبر معظم انقلاب(مدظله­العالی) رئیس‌جمهور مهم‌ترین و مؤثرترین عامل در پیشرفت و حل مسائل و اجرای درست امور کشور به شمار می­رود. ایشان معتقدند: «رئیس‌جمهور در كشور ما نقش بسيار مهمي دارد؛ تبليغات بيگانه می‌خواهد عكس اين را نشان دهد. آن‌ها دشمنانه حرف می‌زنند. رئیس‌جمهور يكي از مؤثرترين، و در دستگاه اجرايي مؤثرترين عنصر براي حل مسائل كشور است. در ميان مسئولان كشور، هيچ مسئولی به‌قدر رئیس‌جمهور در قانون اساسي ما امكانات و توانایی‌ها و عرصه‌ي عظيم خدمتگزاری ندارد. بودجه‌ كشور و همه‌ مسئولان طراز اول اجرايی كشور در اختيار اوست؛ اوست كه می‌تواند كشور را آباد كند و ازلحاظ علمی و صنعتی و مسائل انسانی و يا ازلحاظ امنيت، كشور را به‌پیش ببرد؛ كفايت و توانایی‌های اوست كه می‌تواند زندگی را در كام مردم شيرين كند. آنچه موردنیاز ملت و كشور است، رئيس‌جمهور كارآمد و باكفايت است. مسئوليت‌های حساس و تاريخي امروز بر دوش رئيس قوه‌ مجريه‌ ماست. قانون همه‌چیز را در اختيار رئيس قوه‌ مجريه قرار داده است.» (امام خامنه­ای، 11/2/1384)

**2- مقام والای ریاست جمهوری در قانون اساسی**

ریاست جمهوری در قانون اساسی، به­عنوان میثاق ملی و مبنای اصلی شکل­گیری نظام نیز از جایگاه ویژه­ای برخوردار است. مقام معظم رهبری(مدظله­العالی) در باب اهمیت ریاست جمهوری، به این نکته مهم نیز توجه داشته­اند: «در قانون اساسی ما، رئيس‌جمهور مقام والايی است. در قانون اساسی، هم وظايف سنگينی بر دوش رئيس‌جمهور گذاشته‌شده - كه در اصول مختلف آن مطرح گرديده است - هم اختيارات و امكانات زيادی در اختيار رئيس‌جمهور است. در مجموعه نظام قانون اساسي ما، اين اختيارت و امكانات و وظايف، منحصربه‌فرد است. رئيس‌جمهور اختيارات فراوانی دارد: قوه مجريه و بودجه كشور و وزارتخانه‌های گوناگون در اختيار اوست.» (امام خامنه­ای، 28/2/1380)

**3- توانایی و اختیارات رئیس‌جمهور**

رهبر معظم انقلاب(مدظله­العالی) با توجه به اشرافی که به موضوع دارند، معتقدند اختیارات و امکانات بی­نظیری برای پیشرفت کشور و مبارزه با فساد در اختیار رئیس‌جمهور قرار دارد: «رئیس‌جمهور جايگاه بسيار والايی دارد؛ توانايي و اختيارات فراواني ازلحاظ قانونی متوجه رئیس‌جمهوری است؛ بودجه كشور در اختيار رئیس‌جمهور است؛ مديران كشور در سطوح مختلف در اختيار رئیس‌جمهور هستند؛ بنابراين تعيين رئیس‌جمهور، يعني تعيين مديری كه بتواند ثروت عظيم مردم را كه در بودجه و امكانات و مدیریت‌های كشور متبلور است، به نحوی در سرتاسر آفاق اين ملت گسترش دهد تا نيازهای مردم با اين ثروت عظيم برآورده شود. ملت و كشور ما براثر تلاش دولت‌های چند سال گذشته، ثروت متراكمی از امكانات به دست آورده است. مدیریت‌های آينده بايد بتوانند اين ثروت را افزايش دهند و آن را در زندگي مردم بگسترانند و با فساد به معنای واقعي كلمه مبارزه كنند.» (امام خامنه­ای، 1/1/1384)

همچنین ایشان در کلامی دیگر امکانات و اختیارات بالای رئیس‌جمهور به لحاظ قانونی و بر اساس قانون اساسی را نیز مورد تأکید قرار داده­اند: «رئیس‌جمهور در كشور ما و طبق قانون اساسي ما، امكانات فوق‌العاده زيادي در اختيار دارد. رئیس‌جمهور امكاناتش در قانون اساسي، امكانات وسيعي است؛ رئیس‌جمهور بودجه‌ كشور را در اختيار دارد، همه‌ اركان اجرائي كشور را در اختيار دارد، ترتيب اجراي قوانين را در اختيار دارد، توانائي استفاده از همه‌ افراد صاحب‌نظر را در سراسر كشور در اختيار دارد؛ رئیس‌جمهور در همه‌ مسائل گوناگون دستش باز است. تنها محدوديتي كه براي رئیس‌جمهور در كشور ما وجود دارد، محدوديت قانون است؛ قانون فقط به او محدوديت می‌دهد، كه اين هم محدوديت نيست؛ قانون، هدايت‌كننده است؛ محدودكننده نيست. قانون، راه را نشان می‌دهد كه چگونه حركت كنيم.» (امام خامنه­ای، 14/3/1392)

**بخش پنجم- اهمیت انتخابات ریاست‌جمهوری پیش­رو**

تاریخچه انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران به پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام سیاسی ایران از نوع پادشاهی بود که در آن حتی باوجود تأسیس نهادی چون مجلس شورای ملی پس از نهضت مشروطه، همه قوا عملاً در شخص شاه خلاصه می­شد و هیچ نهاد یا جایگاه دیگری وجود نداشت. اما نظام سیاسی که مردم ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به آن رأی دادند «جمهوری اسلامی» است که بر دو پایه «جمهوریت» و «اسلامیت» قرار دارد، یعنی نظامی که با اراده مردم و مشارکت و حضور آنان بر اساس راهکارهای پیش‌بینی‌شده در قانون اساسی شکل می‌گیرد، اما ماهیت و اساس آن آموزه­های دین اسلام است. این ترکیب با توجه به برقراری اصل تفکیک قوا در نظام جمهوری اسلامی ایران، در خصوص هر سه قوه مجریه، قضائیه و مقننه، مستقیم یا غیرمستقیم، ساری و جاری است.

یکی از تحولات مهم نظام سیاسی ایران پس از انقلاب و درواقع یکی از برکات آن را باید تأسیس جایگاه ریاست‌جمهوری و سازوکارهای شکل­گیری آن دانست که به لحاظ قانونی و عملی از اهمیت بسیار ویژه­ای برخوردار است. نگاهی به شرح وظایف قوای سه­گانه به‌خوبی نشان می‌دهد که کمیت و کیفیت بخش عمده­ای از حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست­محیطی و ... مردم یک کشور به سازوکارها و نحوه عمل قوه مجریه آن بازمی‌گردد. به‌طورکلی مسئولیت قوه مقننه در قانون‌گذاری و وظایف قوه قضائیه نیز در رسیدگی به دعاوی و نظارت بر اجرای قوانین خلاصه می‌شود؛ بنابراین آنچه از امور یک نظام سیاسی باقی می­ماند، همه به‌نوعی در حیطه اختیارات و مسئولیت‌های قوه مجریه تعریف می‌گردد. **به‌بیان‌دیگر، کلیه امور اجرایی کشور، اعم از برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی، تخصیص منابع، اجرای قوانین و برنامه‌های مصوب در تمام حوزه‌ها، مدیریت بحران­ها و حل مشکلات ناشی از آن‌ها و ... را باید در محدوده وظایف قوه مجریه دانست.** ازاین‌رو، انتخاب متصدیان اصلی این قوه، تحت هر عنوان (رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر) از مهم‌ترین تحولات و رویدادهای سیاسی هر کشور محسوب می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، تعریف جایگاه ریاست‌جمهوری به‌عنوان رأس قوه مجریه و تعیین سازوکار انتخاب رئیس‌جمهور در قانون اساسی، و همچنین برگزاری اولین دور انتخابات ریاست‌جمهوری در سال 1358 را باید ازجمله مهم‌ترین تحولات سیاسی کشور به شمار آورد که هنوز هم باوجود برگزاری 12 دوره انتخابات و روی کار آمدن دولت‌های مختلف در طول چهل‌ودو سال گذشته، به دلیل اهمیت این جایگاه، همچنان از اهمیت بالا و نقش سرنوشت­سازی هم در میان جریان‌ها و گروه‌های سیاسی و هم در میان مردم برخوردار است. ازاین‌رو، برگزاری سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در سال 1400 نیز به‌طور طبیعی – جدای از شرایط خاص کشور و نظام بین‌الملل – از اهمیت خاصی برخوردار است. این اهمیت در پیوند با موارد ذیل سرنوشت­ساز و حیاتی به‌حساب می­آید:

1- اولین دوره ریاست جمهوری پس از صدور بیانیه گام دوم انقلاب و برخوردار از نقشی تعیین‌کننده در ریل‌گذاری برای تحقق یا عدم تحقق این بیانیه

2- انتظار عمومی از دولت آینده برای حل مسائل و مشکلات انباشت شده و اثرگذار بر سرمایه اجتماعی نظام

3- گام پایانی برای تشکیل سه قوه هماهنگ و هم‌افزا یا تداوم چالش‌ها و ناهماهنگی‌ها با تشکیل دولت توسط جریان غرب‌گرا

4- پیوند انتخابات پیش رو با مفهوم انتخاباتی دولت جوان حزب الهی و انقلابی، به معنای تغییر روند مدیریتی و استفاده از انرژی، نشاط، تلاش و تحول‌گرایی انقلابی به‌عنوان علاج مشکلات کشور

5- اولین دولت در شرایط خارج شدن نسل اول انقلاب از عرصه مدیریتی کشور

6- طراحی برنامه پنج­ساله هفتم توسعه و ریل‌گذاری برای پیشرفت آینده کشور

**بخش ششم- شورای نگهبان و انتخابات ریاست‌جمهوری**

نقش مردم در تعیین سرنوشت خویش از طریق مشارکت همگانی در امور سیاسی اعمال می‌شود. در این امر مهم همه افراد مردم به صحنه سیاسی دعوت می‌شوند و مدعیان زمامداری از بین آنان داوطلب و انتخاب می‌شوند تا به‌قصد خدمت به مردم، مناصب مختلف را در دست بگیرند. برآیند آزادی آراء مردم و رقابت‌های سیاسی داوطلبان پدیده‌ای است که در اصل 6 قانون اساسی به‌عنوان «اداره امور کشور به اتکای آراء عمومی» تجلی می‌یابد. این آزادی و رقابت باید سالم و مطلوب باشد؛ ولی میل به قدرت عاملی است که اکثراً رقابت‌های ناسالم و همراه با مکر و فریبکاری را به همراه خود آورده در آراء مردم اختلال و فساد ایجاد می‌نماید. به این خاطر است که برای احتراز از مفاسد احتمالی، امر نظارت بر آراء عمومی در تمام کشورهای مردم‌سالار موردقبول قرارگرفته است. این نظارت باید به دست کسانی باشد که علاقه و منفعت خاصی نسبت به نتیجه انتخابات نداشته باشند تا بتوانند درستی و امانت لازم را در کار نظارت بی‌طرفانه به‌کارگیرند.

در همه نظام‌های سیاسی مردم‌سالار در دنیا به‌منظور اعمال چنین نظارتی بر انتخابات، مراجعی قانونی پیش‌بینی‌شده است. «دادگاه قانون اساسی» در ترکیه، «محکمه النقد» در مصر، «شورای قانون اساسی» و «دیوان عالی عدالت» در فرانسه، «دادگاه قانون اساسی» در آلمان، «مجلس نمایندگان» و «سنا» در آمریکا، «مجلس عوام» در انگلستان و «دادگاه قانون اساسی» در روسیه، این نقش نظارتی را ایفا می‌نمایند. بنابراین در بسیاری از نظام‌های سیاسی، نهادهایی تحت عنوان شورا یا دادگاه وجود دارند که وظیفه‌ آن‌ها نظارت بر صحت انتخابات است. نظارت بر انتخابات در جمهوری اسلامی ایران وظیفه‌ای است که بر اساس قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان گذاشته شده­است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان یکی از مهم‌ترین نهاد‌های حکومتی به شمار می‌آید، به‌گونه‌ای که فقدان یا سوء عملکرد آن، اعتبار و مشروعیت مهم­ترین فرایندهای مردم‌سالاری یعنی انتخابات و قانون‌گذاری را خدشه‌دار می‌سازد.

نهاد شورای نگهبان به­عنوان یکی از ابتکارات نظام جمهوری اسلامی، موردتوجه و عنایت ویژه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی(ره) قرار داشت و ایشان بر نقش و جایگاه این نهاد در حفظ اساس نظام تأکید داشتند:

«شورای محترم نگهبان، که حافظ احکام مقدس اسلام و قانون اساسی هستند، مورد تأیید این‌جانب می­باشند و وظیفه آنان بسیار مقدس و مهم است و باید با قاطعیت به وظایف خود عمل نمایند. البته توجه به اهمیت حفظ نظام جمهوری دارند که با آن هیچ حکم و امری مزاحمت نمی­کند و برای حفظ آن از هیچ کوششی نباید مضایقه کرد و معلوم است آقایان با تعهدی که دارند تحت تأثیر هیچ جوی واقع نمی­شوند.»(صحیفه نور، ج9، ص155)

رهبر معظم انقلاب(مدظله­العالی) نیز همواره بر اهمیت و جایگاه شورای نگهبان و اهمیت آن تأکید داشته و معیارهای موردنظر آن را به همگان گوشزد کرده­اند:

«نظارت شورای نگهبان در مسائل انتخابات، یکی از مهم‌ترین کارهایی است که انجام می‌دهد؛ کار بسیار مهمی است، کار بسیار لازمی است. به جوسازی‌هایی که علیه این کار می‌شود، ابداً نباید اعتناء کرد. البته کار را باید درست انجام داد. به همان اندازه که کار مهم است، به همان اندازه سلامت کار مهم است. یعنی باید معیارها را درست فهمید، و فقط بر اساس این معیارها قبول کرد یا رد کرد. از این معیارها نباید تخطی شود، کوتاهی هم نباید بشود، غفلت هم نباید بشود... معیار عبارت است از مقررات و قانون. سلایق نباید دخالت کند. گرایش سیاسی، گرایش گروهی، گرایش جناحی نباید دخالت کند. سفارش و توصیه نباید دخالت کند. معیار بایستی بین خود و خدا، همان معیار قانونی باشد.»(امام خامنه­ای، 20/04/1386)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای شورای نگهبان وظایف متعددی ذکرشده که انجام آن به‌طور مشترک بر عهده فقها و حقوق‌دانان است و تعدادی دیگر، وظایف اختصاصی فقها می‌باشد. مهم‌ترین این وظایف عبارت‌اند از:

1-«نظارت بر قانون‌گذاری»

2-«تفسیر قانون اساسی»

3-«نظارت بر انتخابات»

که با توجه به موضوع این نوشتار، وظیفه سوم موردبحث قرار می‌گیرد.

وظیفه خطیر ریاست‌جمهوری اقتضا می‌کند که رئیس‌جمهور از شرایط ویژه و برجسته‌ای برخوردار باشد تا بتواند به‌طور شایسته‌ای به ایفای این وظیفه مهم بپردازد. هرچند رئیس‌جمهور با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود اما تشخیص شرایط ویژه موردنظر در نامزدها برای مردم شاید مشکل و در برخی اوقات غیرممکن باشد. به این دلیل قبل از ورود به انتخابات لازم است صلاحیت داوطلبان توسط مرجع صالح بی‌نظر و متخصص، موردبررسی قرار گیرد و آنگاه آنان که دارای جمیع شرایط باشند، صلاحیتشان برای ورود به انتخابات مورد تأیید قرار گیرد. در این راستا بند 9 اصل 110 تصریح می‌کند که «صلاحیت داوطلبان ریاست‌جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان برسد.» همچنین بر اساس اصل 118 قانون اساسی «مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری طبق اصل نود و نهم بر عهده شورای نگهبان است.» ماده 2 قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست‌جمهوری نیز بیان داشته است: «هیئت مرکزی نظارت، بر کلیه مراحل انتخابات و جریان‌های انتخاباتی و اقدامات وزارت کشور و هیئت‌های اجرایی که در انتخابات مؤثر است و آنچه مربوط به صحت انتخابات می‌شود، نظارت خواهد کرد.» همچنین بر اساس ماده 7 همان قانون، «شورای نگهبان در کلیه مراحل در صورت اثبات تخلف با ذکر دلیل نسبت به ابطال یا توقف انتخابات سراسر کشور و یا بعضی از مناطق اتخاذ تصمیم نموده و نظر خود را از طریق رسانه‌های همگانی اعلام می‌نماید و نظر شورای نگهبان در این مورد قطعی و لازم‌الاجراست و هیچ مرجع دیگری حق ابطال یا متوقف کردن انتخابات را ندارد.»

در خصوص نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری این نکته قابل‌ذکر است که تشخیص صلاحیت داوطلبان فقط به عهده شورای نگهبان است. علت این امر، اهمیت بسیار بالای منصب ریاست‌جمهوری و همچنین بی­طرفی و توانایی شورای نگهبان در رسیدگی به این موضوع به علت تعداد کم داوطلبان است. همچنین در این انتخابات برخلاف انتخابات مجلس شورای اسلامی که در برخی موارد هیئت مرکزی نظارت، نظارت استصوابی را اعمال نموده و بدون اطلاع به شورای نگهبان، خود رأساً راجع به موضوع تصمیم‌گیری می‌کنند، هیئت‌های مرکزی نظارت و ناظرین شهرستان‌ها به‌عنوان نیروهای عملیاتی شورای نگهبان صرفاً نظارت استطلاعی دارند و هرگونه تصمیم‌گیری راجع به هر مسئله‌ای از انتخابات ریاست‌جمهوری به عهده شورای نگهبان است.

تردیدی نیست که یک نظارت عام، گسترده و جاری در کلیه امور مربوط به انتخابات، مستلزم ابزارها، امکانات و نیروهایی است که شورای نگهبان در تأمین و استفاده از آن‌ها با محدودیت­هایی مواجه است:

**1- محدود بودن به بررسی و تائید صلاحیت نامزدها**

اولین محدودیت، بحث تفاوت میان صلاحیت­ها و شایستگی­ها است. احراز صلاحیت نامزدهای انتخاباتی یک امر معمول و معقول در کشورهای دارای نظام مردم­سالاری است. رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) در این رابطه می‌فرمایند:

«روال احراز و تشخيص صلاحيت یک‌روال همه‌جايى دنيايى است و مخصوص ايران و مخصوص مجلس شوراى اسلامى هم نيست. در همه‌جا وقتى انسان براى مسئوليتى مأموريت دارد كه مسئول معين كند، قهراً تفحص و جستجو مى‌كند كه آيا اين شخص صلاحيت دارد يا ندارد... بنابراين كار، كار معمولى‌اى است؛ كارى است كه در همه‌جاى دنيا و پيش همه‌ عقلاى عالم انجام مى‌گيرد.»(امام خامنه­ای، 24/10/1382)

یکی از ارکان مهم پذیرش قدرت در نظام اسلامی، داشتن صلاحیت است. در چنین نظامی، اگر کسی به‌اندازه ذره‌ای از قدرت برخوردار باشد، به همان اندازه باید صاحب صلاحیت باشد، وگرنه حق اعمال آن قدرت را ندارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در مناسبت‌های مختلفی به اهمیت مسئله ضرورت توجه به صلاحیت برای پذیرش مسئولیت در نظام اسلامی تأکید ورزیده‌اند. معظم‌له در نفی سلطه بدون توجه به صلاحیت‌ها می‌فرمایند: «اسلام است كه می‌گوید: «ان الحكم الّا لله امر الّا تعبدوا الّا ایاه» این حكم، هر حاكمیت ظالمانه‌‌ای را نفی می‌كند. هیچ‌كس حق ندارد بر مردم حاكمیت داشته باشد؛ مگر آنكه دارای معیارهای پذیرفته‌شده باشد و مردم او را پذیرفته باشند.»(امام خامنه­ای، 13/11/1370)

این صلاحیت‌ها در همه سطوح از عالی‌ترین تا پایین‌ترین جایگاه مسئولیتی جاری و ساری است و این حقیقتی است که این­گونه مورد تأکید مقام معظم رهبری(مدظله­العالی) قرار می‌گیرد: «قانون برای رهبری، ریاست‌جمهوری، مسئولان قوای سه‌گانه و رده‌های مختلف مدیریت، تا رده‌های شوراهای شهر و روستا و دیگر جاها ضوابطی را معین كرده است كه برخاسته از همان دید و فكر اسلامی است. این ضوابط باید احراز شود. باید تشخیص داده شود كه این شرایط در این شخص وجود دارد، بعد او در معرض رأی مردم قرار گیرد، اگر ملاك رأی مردم است؛ یا نصب شود، اگر ملاك، انتصاب است.»(امام خامنه­ای، 13/12/1381)

معیار سنجش صلاحیت یک فرد برای نامزدی، مواردی است که در قوانین و مقررات مربوطه قید شده­است. در قوانین مربوط به انتخابات ریاست جمهوری شرایطی برای داوطلبان ذکرشده و لازم است هر فرد داوطلب ریاست جمهوری، الزاماً این شرایط را داشته باشد تا بتواند وارد مراحل بعدی انتخابات شود: به‌عنوان نمونه پایبندی به قانون اساسی و اصل ولایت‌فقیه یا داشتن حسن سابقه و امانت و تقوی. درواقع هر فرد باید این مجموعه از شرایط را به‌عنوان حداقل­های لازم برای شرکت در این رقابت دارا باشد. حال وظیفه ناظر بر انتخابات این است که از وجود این شرایط در افراد داوطلب اطمینان حاصل شود. فقدان این شرایط اساساً به معنای مجرم بودن یا گناهکار بودن فرد نیست (شبهه­ای که مخالفان در خصوص عملکرد شورای نگهبان در رد صلاحیت­ها مطرح می‌کنند)، بلکه بدان معنا است که فرد برای تصدی منصب مهم ریاست جمهوری، شرایط لازم تصریح­شده در قانون را ندارد.

اما از سوی دیگر معنای تأیید صلاحیت افراد برای نامزدی ریاست جمهوری به معنی تأیید شایستگی آن‌ها با شاخص­های حداکثری برای احراز این منصب نیز نمی­باشد. درواقع شورای نگهبان در مورد احراز صلاحیت­های نامزدهای انتخابات، حداقل صلاحیت افراد و به‌اصطلاح کف صلاحیت­ها را در نظر می‌گیرد و این مردم هستند که باید در میان افرادی که اصل صلاحیت آن‌ها مورد تأیید قرارگرفته است، فرد واجد صلاحیت بالاتر و شایستگی بیشتر را انتخاب نمایند. **به عبارتی، این انتخاب و رأی مردم است که با شناخت نامزدها و گزینش فرد اصلح از میان آن‌ها بر اساس شناخت و آگاهی، سطح صلاحیت و شایستگی نامزدهای منتخب یا نمایندگان را تعیین می‌کند.** امام خامنه­ای(مدظله‌العالی) این واقعیت را این­گونه تشریح می‌فرمایند: «آن‌کسانی که به‌وسیله شوراى نگهبان صلاحیت آن‏ها اعلام می‌شود، معنایش این است که این از حداقل صلاحیت موردنیاز برخوردار است. در بین این کسانى که اعلام می­‏شوند، افرادى هستند با صلاحیت­هاى بالاتر، افرادى هستند در سطح پایین­تر. هنر ملت ایران و مردم شهرها و حوزه­هاى انتخابیه این است که دقت کنند، نگاه کنند، بشناسند اصلح را، بهترین را انتخاب کنند؛ بهترین از لحاظ ایمان، بهترین از لحاظ اخلاص و امانت، بهترین ازلحاظ دین‏دارى و آمادگى براى حضور در میدان­هاى انقلاب؛ دردشناس­ترین و دردمندترین نسبت به نیازهاى مردم را انتخاب کنند. این‏ها فرصت‌هایی هست، بایستى مردم عزیز ما در همه‌جاى کشور... هوشیارانه، با بصیرت تمام تلاش کنند، پیدا کنند و با رأى خود مسجل کنند... البته مردم توجه باید داشته باشند که تبلیغات رنگین و متنوع ملاک نیست؛ وعده‌های غیرعملى ملاک نیست... وعده‏­هاى غیرعملى دادن، وعده‏­هاى بزرگ دادن، این‏ها ملاک نیست؛ باید مردم توجه کنند.» (امام خامنه­ای، 12/10/1386)

**2- محدودیت در زمان بررسی صلاحیت­ها**

محدودیت دیگر شورای نگهبان برای بررسی صلاحیت­های داوطلبان ریاست جمهوری، بازه زمانی کوتاه و محدود برای بررسی صلاحیت­ها است. این محدودیت، اگرچه همانند انتخابات مجلس شورای اسلامی نبوده و همانند آن فشار کاری مضاعفی را بر شورای نگهبان وارد نمی­کند، اما حساسیت بسیار بالای منصب ریاست­جمهوری و همچنین سوابق و جایگاه افرادی که به مرحله نهایی بررسی صلاحیت­ها در شورای نگهبان می‌رسند، همچنان بر فعالیت قانونی این شورا در بازه زمانی تعریف‌شده، سایه می‌افکند. درواقع، اگرچه تعداد نامزدهای موردبررسی نسبت به انتخابات مجلس شورای اسلامی زیاد نیست، اما اهمیت سوابق افراد و همچنین جایگاه ریاست جمهوری باعث طولانی شدن مباحثات و بررسی­ها شده و امر تأیید صلاحیت و پاسخگویی را حساسیتی مضاعف می‌بخشد.

حال این مردم و رأی­دهندگان هستند که با داشتن فرصت کافی باید به شناسایی دقیق نامزدها، حامیان حزبی، سوابق عملکردی، رویکردها و برنامه­هایشان و نگاه به وضعیت کشور، دست به انتخاب شایسته­ترین نامزد برای علاج مشکلات کشور بزنند.

**3- اجبار شورای نگهبان برای پاسخگویی به نامزدهای رد صلاحیت شده**

یکی دیگر از مسائلی که شورای نگهبان را در جریان بررسی صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری، در فشار و محذوریت قرار داده و نوعی محدودیت را تحمیل می‌کند، ضرورت پاسخگویی به نامزدها و درواقع رسیدگی به شکایت­های مطرح‌شده مرتبط با بررسی­های قانونی شورای نگهبان است که باید در همان مهلت محدود صورت گیرد. تقریباً تمام کسانی که به‌نوعی صلاحیت آن‌ها احراز نمی­شود، به این احکام اعتراض کرده و خواهان اعلام دلایل آن می­شوند، که این مورد فضای سنگینی را علیه شورای نگهبان فراهم می­سازد. این محدودیت از دو جنبه قابل‌تأمل است:

1-محدودیت زمانی برای پاسخگویی به شکایت­های مطرح‌شده

2-محدودیت­های قانونی و اخلاقی در اعلام دلایل

البته اعلام این دلایل هرچند مستند و مستدل، باز هم در بسیاری موارد به دستاویزی برای هجمه علیه این شورا تبدیل می‌شود.

**4- فضاسازی­های تبلیغاتی و رسانه­ای علیه شورای نگهبان**

تجربه چندین دوره انتخابات ریاست جمهوری، به­ویژه در دوره­های اخیر نشان می‌دهد که از مدت‌ها پیش از آغاز مراحل اجرایی انتخابات، تا مدت‌ها پس از انتخاب رئیس‌جمهور و شروع به کار دولت جدید، هجمه تبلیغاتی و رسانه­ای هدفمندی علیه شورای نگهبان، جایگاه قانونی، ساختار شکلی، روند تصمیم­گیری و به‌طورکلی فعالیت نظارتی، و حتی اعضای آن شکل می‌گیرد که با توجه به فضای خاص این دوران، متأسفانه این فضاسازی موردتوجه قرارگرفته و حتی در برخی موارد به دستاویزی جهت سوءاستفاده برخی نامزدها و طرفداران آن‌ها نیز تبدیل می‌شود. این فضاسازی‌ها که باهدف غیر دموکراتیک نشان دادن نظام و فاصله آن با مردم‌سالاری واقعی طراحی و اجرا می‌شود، به شکلی کاملاً تکراری، تلاش می‌کنند از عملکرد شورای نگهبان و انجام وظایف آن، نمایشی بودن انتخابات و دور بودن نظام از دموکراسی را نتیجه‌گیری نموده و از این راه، راهبرد اصلی خود یعنی کاهش مشارکت مردم را دنبال نمایند. اما نکته تأسف‌برانگیزتر این است که برخی نامزدها که صلاحیتشان برای حضور در مرحله نهایی انتخابات تأیید نشده نیز با این هجمه تبلیغاتی همراه شده و در آتش این تخریب‌های ناعادلانه می‌دمند. این امر اگرچه تاکنون بر نوع عملکرد شورای نگهبان و وظیفه اصلی آن یعنی پاسداری از مبانی و اصول نظام تأثیر نداشته، اما با ایجاد فضایی منفی، تصویری غیرواقعی را از این رکن مهم نظام در افکار عمومی ترسیم می‌کند.

با توجه به موارد بالا باید گفت شورای نگهبان تنها امکان احراز صلاحیت­ها برای منصب مهم ریاست جمهوری را به­صورت نسبی داشته و این مردم و انتخاب­کنندگان هستند که باید از میان نامزدهای تأییدشده دست به انتخاب زده و شایسته­ترین­ها را از روی شناخت عمیق برگزینند.

**بخش هفتم- راهبردهای عمومی مقام معظم رهبری در انتخابات**

از نگاه رهبر فرزانه انقلاب(مدظله­العالی) انتخابات به ماهیت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی گره‌خورده و یک برکت مرتبط با آن به‌حساب می­آید. به اعتقاد ایشان: «انتخابات واقعاً نعمت بزرگی است. این هم از برکات نگاه روشن و عمیق امام بزرگوار ما بود. کسانی در همان زمان بودند که معتقد بودند [وقتی‌] حکومت اسلامی است، انتخابات لزومی ندارد؛ امام فرمود نه، انتخابات باید باشد و منشأ اثر باشد، مردم تصمیم بگیرند، مردم انتخاب کنند و آنچه مردم می‌خواهند بشود. نتیجه‌ی این سیاست، این شد که مردم در کنار انقلاب و در وسط میدان باقی ماندند و تا امروز بحمدالله باقی‌مانده‌اند؛ چون خود مردم‌اند که دارند انتخاب می‌کنند، خود مردم‌اند که دارند تصمیم می­گیرند. انتخابات نعمت بزرگی است.»(امام خامنه­ای، 14/10/1394)

همچنین معظم­له انتخابات را با توجه به نقش آن در تأمین پشتوانه مردمی و اقتدار نظام، حیثیتی دانسته و حتی پشتوانه­ای برای مسئولین منتخب به شمار می­آورند. ازاین‌رو تصریح دارند: «آبروی جمهوری اسلامی به انتخابات و حضور مردم در پای صندوق­های رأی و تأثیر یکایک مردم در انتخاب مدیران کشور است.»(امام خامنه­ای، 1/1/1392) ایشان در دیدار با مردم آذربایجان شرقی نیز این موضوع را این­گونه مورد اشاره قراردادند که: «انتخابات برای کشور یک افتخار است، یک فرصت است، یک امکان است، یک ذخیره است که اگر شرکت پرشور مردم باشد، این یقیناً به آینده کشور کمک خواهد کرد.»(امام خامنه­ای، 29/11/1399)

رهبر فرزانه انقلاب در آستانه هر انتخاباتی توصیه­هایی خطاب به مردم، مسئولان، دست­اندرکاران و همه دستگاه‌های مجری و نظارتی باهدف برگزاری بهتر و مؤثرتر انتخابات دارند. اما نگاهی کلی به رهنمودهای معظم­له در خصوص انتخابات در مقاطع مختلف نشان می‌دهد فارغ از توصیه­ها و موارد خاص هر انتخابات، ایشان به دنبال تحقق چند راهبرد در پیوند با مصالح نظام و منافع ملی می­باشند، که در ادامه مهم‌ترین موارد آن اجمالاً موردبررسی قرار می‌گیرد.

**1- مشارکت پرشور و بالای مردم**

مشارکت به معنای حضور مردم در انتخابات یکی از معیارهای سنجش اقتدار مردمی نظام و مقبولیت آن در نزد ملت است. در شرایطی که کشور با انواع دشمنی­ها و بدخواهی­ها مواجه است، میزان حضور مردم در انتخابات بخش مهمی از بازدارندگی سیاسی در برابر دشمنی­ها به‌حساب می­آید؛ ضمن اینکه با نگاه دینی نیز این مردم هستند که قدرت را برای نظام سیاسی فراهم می­سازند. با این نگاه، فرمانده معظم کل قوا(مدظله‌العالی) می‌فرمایند: «آنچه من عرض می­کنم و در درجه‌ اول برای این حقیر مهم است، شرکت عمومی در انتخابات است و اینکه همه‌ آحادی که می‌توانند رأی بدهند و مشمول قانون‌اند، وارد انتخابات بشوند و انتخابات را پرشور کنند؛ این اولین خواسته و مهم‌ترین خواسته‌ ما است.»(امام خامنه­ای، 1/1/1396)

«انتخابات، فقط يك پديده‏ سياسى نيست. انتخابات، مظهر حضور مردم، مظهر احقاق حق و مظهر توانايى و اقتدار ملى براى يك كشور است. امروز در دنيا چه در كشور ما و چه در هرجاى ديگر روى اين حساب مى‏شود كه چند درصد از كسانى كه مى‏توانستند رأى بدهند، در يك انتخابات شركت كردند و رأى دادند. ازنظر مردم دنيا و تحليل­گران و سياست‏گذاران عالم، آن نظامى مستحكم است كه تعداد بيشترى از مردمش در هنگام انتخابات پاى صندوق­ها بيايند و رأى بدهند. اين نشانه استحكام يك نظام است؛ كه بحمد اللّه ما اين را در انتخابات‏هاى گوناگونى كه در اين سال‌های متوالى داشته‏ايم، هميشه نشان داده‏ايم‏.» (امام خامنه­ای، 26/11/78)

نگاه مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) به مقوله انتخابات، فراتر از نگاه­های جناحی و حزبی است؛ نگاه ایشان به قله­های اعتلاء و سربلندی ایران و نظام جمهوری اسلامی است و به همین دلیل در هر انتخاباتی همواره روی این نکته مهم تأکید دارند که نخستین برنده انتخابات، ملت ایران می‌باشند:

«هرچه انتخابات پرشورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنان دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال می‌شوند. عظمت ملت ایران را حضور مردم در انتخابات نشان می‌دهد.»(امام خامنه­ای، 1/1/1388) به همین دلیل، موضوع "مشارکت حداکثری" در انتخابات، ازنظر معظم­له یک موضوع کاملاً راهبردی به­حساب می­آید که سایر موضوعات مرتبط با انتخابات در ذیل آن تعریف می‌شوند.

ازاین‌رو، در شرایط تهدید و تلاش دشمن برای فرسایش قدرت نظام، مقام معظم رهبری(مدظله­العالی) در جایگاه ولی‌فقیه و رهبر جامعه اسلامی در ترغیب مردم به رأی دادن از هویت ملی و انگیزه‌های وطنی جامعه بهره گرفته و تصریح دارند که: «انتخابات مال رهبری نیست، مال ایران اسلامی است، مال نظام جمهوری اسلامی است. همه باید بیایند در انتخابات شرکت کنند؛ این موجب می‌شود که نظام جمهوری اسلامی تقویت بشود، پایداری آن و ماندگاری آن تأمین بشود، کشور در حصار امنیت کامل باقی بماند.» (امام خامنه­ای، ۱۹/۱۰/۱۳۹۴)

**2- انتخاب هوشمندانه و آگاهانه**

گر چه نفس حضور در پای صندوق رأی و انداختن رأی به آن اصل مشارکت را تأمین می‌کند، اما صلاحیت، شایستگی و توانمندی نامزد منتخب ریاست‌جمهوری است که کارآمدی و توانمندی دولت را معلوم می‌سازد. ازاین‌رو، رأی­دهندگان باید با توجه به پیامدهای رأی خود ابتدا چند آگاهی سیاسی را کسب نمایند:

1-2- آگاهی و شناخت نسبت به نقش دولت و قوه مجریه و وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور

2-2- آگاهی و شناخت نسبت به وضعیت کشور و جامعه و نیازهای اساسی که دولت می‌تواند نسبت به آن پاسخگو باشد.

3-2- آگاهی و شناخت معیارهای معطوف به وضعیت کشور و نیازهای جامعه

4-2- شناخت سوابق، رویکردها، برنامه­ها و توانمندی­های احزاب و گروه‌های سیاسی و نامزدهای انتخاباتی

با توجه به این نوع آگاهی­های سیاسی است که رأی­دهنده از میان نامزدهای تأیید صلاحیت شده دست به ‌گزینش و انتخاب زده و فرد واجد صلاحیت و توان لازم را برای تصدی مقام ریاست‌جمهوری برمی­گزیند. این نوع انتخاب است که ماهیت قوه مجریه را تعیین می‌کند. با این نگاه است که رهبر معظم انقلاب(مدظله­العالی) می‌فرمایند:

«يكی اينكه حضور آگاهانه در انتخابات... و انتخاب هوشمندانه از سوی آحاد مردم، يك مشاركت در سرنوشت كشور است. كشور ما متكی به آراء مردم است. علت اينكه دشمنان ملت و طمع‏ورزان به اين آب‌وخاک نتوانسته‏اند در طول بیست‌وشش سال گذشته گزندی وارد كنند، حضور و اراده و مشاركت مردم در صحنه‏های مختلف بوده است.»(امام خامنه­ای، 1/1/1384)

در همین راستا شناخت شرایط حاکم بر کشور و انقلاب و شاخص‌ها و معیارهای مربوط به آن اهمیت می­یابد تا با انطباق آن بر نامزدها، فردی به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شود که قادر به حل مسائل و مشکلات موجود باشد و این فراتر از جناح­بندی­ها و دسته­بندی­های سیاسی است. همان­گونه که رهبر معظم انقلاب(مدظله­العالی) تأکیددارند: «به کى رأى بدهند؟ شاخص این است که شعارهاى انقلاب بایستى به‌وسیله مسئولین و منتخبین ما روزبه‌روز زنده‌تر شود این شاخص است. ربطى به جناح‌بندی‌ها ندارد، ربطى به اسم­ها ندارد. علاج دردهاى این ملت و وسیله رسیدن به آرمان­هاى این ملت، شعارهاى انقلاب است؛ این‌ها باید حفظ شود. آن‌کسانی که با این شعارها به معناى حقیقى کلمه مخالف‌اند، دشمن این شعارهایند؛ این‌ها نباید در مراکز تصمیم­گیرى واقع بشوند. بین ملت‌اند، باشند. آحاد ملت، هرکسی هر عقیده­اى داشته باشد، اشکال ندارد؛ اما آن‌کسی که عقیده­اش این است که این ماشین باید راه نیفتد، این را نمی‌شود پشت رُل گذاشت. یک آدمى که عقیده­اش این است که از اینجا باید این اتومبیل حرکت نکند، این شخص را پشت فرمان خودرو بگذاریم، هیچ‌وقت این اتومبیل حرکت نخواهد کرد. باید کسى را بگذاریم که معتقد به این حرکت باشد، معتقد به این راه باشد، معتقد به آن هدف باشد، معتقد به توانائی­هاى ملى باشد، معتقد به اسلام، معتقد به انقلاب باشد و شاخص‌ها را قبول داشته باشد. این آن نقطه حساس است. این هم نکته دوم است.البته باید هوشیارى به خرج داد؛ باید هوشیارى به خرج داد. از دوروها و دورنگ­ها و ظاهر باطن مختلف­ها بایستى ترسید.»(امام خامنه­ای، 28/11/1386)

**3- تقویت و ارتقاء کارآمدی نظام**

با توجه به اهمیت قوه مجریه در ساختار نظام مقدس جمهوری اسلامی که به آن جایگاه ویژه­ای برای حل مشکلات کشور و مردم می‌دهد، تقویت و کارایی آن را باید به‌مثابه کارآمدسازی نظام به‌حساب آورد. رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) در این خصوص معتقدند: «آنچه كه برای مردم در اين انتخابات و همه‏ گزينش‌های ملی و انتخابات‌ها مهم است، اين است كه سطح كارآمدی نظام روزبه‌روز ارتقا پيدا كند؛ اين اساس مسئله است. اگر مردم دنبال رئيس‏جمهور يا دنبال نماينده‏ مجلس می‏گردند يا دنبال دیگر کسانی هستند كه می‌خواهند آن‌ها را با انتخاب تعيين كنند، در پی آن هستند كه انسان‌های كارآمدی را بر اريكه‏ مسئوليت بنشانند تا آن‌ها بتوانند سطح كارآمدی نظام را افزايش بدهند و مشكلات مادی و معنوی مردم را حل كنند؛ اين خواست مردم است. حالا گروه‌ها و احزاب و عناصر سياسی هم هركدام نقطه‏نظرهايی دارند؛ آن نقطه‏نظرات برای خودشان است.»(امام خامنه­ای، 24/8/1383)

اهمیت مسئله کارآمدی تا آنجا است که در مشروعيت نظام مردم‌سالاری دينی نيز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها موردتوجه قرار می‌گيرد، به‌نحوی‌که رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) در باب نسبت بين کارآمدی و مشروعيت می­فرمايند:

«مشروعيت همه‏ ما بسته به انجام وظيفه و کارایی در انجام وظيفه است. بنده روی اين اصرار و تكيه دارم كه بر روی کارایی‌ها و كارآمدی مسئولان طبق همان ضوابطی كه قوانين ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بايست تكيه شود. هر جا كارآمدی نباشد، مشروعيت از بين خواهد رفت. اين‏كه ما در قانون اساسی برای رهبر، رئيس‏جمهور، نماينده‏ مجلس و برای وزير شرايطی قائل شده‏ايم و با اين شرايط گفته‏ايم اين وظيفه را می‌تواند انجام بدهد، اين شرايط، ملاك مشروعيت بر عهده گرفتن اين وظايف و اختيارات و قدرتی است كه قانون و ملت به ما عطا می‏كند؛ يعنی اين حكم ولايت، با همه‏ شعب و شاخه‏هایی كه از آن منشعب است، رفته روی اين عناوين، نه روی اشخاص. تا وقتی‌که اين عناوين، محفوظ و موجودند، اين مشروعيت وجود دارد. وقتي اين عناوين زايل شدند، چه از شخص رهبری و چه از بقيه‏ مسئولان در بخش­های مختلف، آن مشروعيت هم زايل خواهد شد. ما بايد به دنبال كارآمدی باشيم. بايد هر يك از كسانی كه متصدی اين مسئوليت­ها، از صدر تا ساقه هستند، بتوانند آنچه را كه بر عهده‏ آن‌هاست، به‏قدر معقول انجام دهند. انتظار معجزه و كار خارق‏العاده نداريم و نبايد داشته باشيم؛ اما بايست انتظار تلاش موفق را، كه در آن نشانه‏های توفيق هم مشاهده شود، داشته باشيم.»(امام خامنه­ای، 31/6/1383)

از نگاه رهبر فرزانه انقلاب؛ علاج دردهای مزمن کشور انتخابات است که مردم رأی­دهنده، با رأی به فرد اصلح و کارآمد، مهم ترین نقش را در تحقق آن دارند.

با توجه به نکات فوق، رأی­دهندگان باید از میان نامزدها فردی را به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب کنند که قرار گرفتن او در رأس قوه مجریه با افزایش کارآمدی و توان این قوه، مجموعه دولت را در تعامل با سایر قوا بر روی ریل کارآمدی و پاسخگویی قرار دهد و مانع هرگونه انحراف و ناکارآمدی شود.

**بخش هشتم- وضعیت اثرگذار بر انتخابات سیزدهمین دوره ریاست‌جمهوری**

**1- مشکلات از نگاه مردم**

مروری بر آمار و ارقام مربوط به نظرسنجی‌ها، خبرها و تحلیل‌ها و واقعیت‌های میدانی حاکی از این است که مردم مهم‌ترین مشکلات خود را موارد زیر می‌دانند:

1-1- گرانی و تورم

2-1- بیکاری و مشکل تولید

3-1- فساد

4-1- تبعیض

این مسائل که زندگی مردم را متأثر ساخته، موجب پدید آمدن «حس رهاشدگی کشور از سوی مسئولین» در افکار عمومی گردیده که با القاء ضدانقلاب مبنی بر فقدان کارآمدی نظام به تولید یأس و ناامیدی و بی‌اعتمادی مردم و احساس محرومیت و همچنین نارضایتی می‌انجامد. عدم دریافت پاسخ مناسب، به‌موقع و اقناعی موجب اعتراضاتی می‌شود که زمینه‌ساز موج‌سواری دشمن برای ایجاد آشوب و بی‌ثباتی سیاسی و فروپاشی می‌باشد.

**2- عوامل زمینه‌ساز مسائل و مشکلات**

مجموعه‌ای از عوامل زمینه‌ساز مسائل و مشکلات موجودند که در طیفی از عوامل خارجی تا داخلی و عوامل واقعی و روانی را شامل می‌شوند. اما عواملی که در پدید آوردن شرایط فعلی بیشترین سهم را دارند، عبارت‌اند از:

1-2- ناتوانی، سوءمدیریت و بی‌توجهی برخی مسئولان به وظایف و بعضاً سوءاستفاده و رانت­جویی

2-2- ضعف مسئولان در اطاعت و همراهی با رهبری نظام و گرایش آنها به پیشبرد اهداف جناحی

3-2- بی‌توجهی به ظرفیت‌های درونی و نگاه به منابع خارجی و تأکید بر توسعه وابسته و غیرمستقل

4-2- بروز انحراف فکری و معرفتی و گرفتار شدن به محافظه‌کاری و مرعوب دشمن شدن

عواملی که شرایط فوق را برای کشور رقم‌زده و به بروز بسیاری از مشکلات و مسائل انجامیده عبارت‌اند از:

1- حاکمیت مدیریت لیبرالی خسته از انقلاب و انقلابی­گری

2- نفوذ خزنده عناصر فرصت‌طلب و آلوده به تفکرات غرب‌گرا و سکولار

3- شکل‌گیری مثلث شوم ثروت، قدرت و نفوذ و چنبره آن بر اقتصاد کشور

ازاین‌رو، درحالی‌که در بسیاری از عرصه‌های راهبردی، با حضور نیروهای متدین، انقلابی و پرتلاش شاهد دستاوردهای بزرگ هستیم اما در عرصه‌هایی نیز با عقب‌ماندگی‌ها و ناکامی‌هایی مواجه هستیم. عقب‌ماندگی‌هایی که به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب(مدظله­العالی) ناشی از کسالت، فاصله گرفتن از روحیه انقلابی و بی‌توجهی مسئولین امر است که آثار آن عمدتاً متوجه طبقات ضعیف جامعه می‌شود؛ آثاری که با ارزش‌های انقلاب و آموزه‌های دینی مغایرت داشته و موجب نارضایتی مردم می‌گردد. وقتی این نارضایتی از سوی مسئولان با بی‌اعتنایی مواجه شودخروجی آن بی‌اعتمادی و ناامیدی مردم از مسئولین و تعمیم آن به‌نظام می باشد که از آن به­عنوان کاهش یا فرسایش سرمایه اجتماعی یاد می‌شود.

بنابراین برون‌رفت از این شرایط یا راه علاج مشکلات پیش‌آمده، تغییر ریل مدیریتی به سمت تلاش، پرکاری و کارآمدی است که در انتخابات و با رأی برآمده از تشخیص درست و تطبیق دادن شاخص‌های معطوف به این وضعیت با نامزدها و یا انتخاب اصلح تأمین می‌شود. در این صورت رأی­دهندگان نقش خود را به بهترین وجه برای آینده کشور و سرنوشت خود ایفا خواهند کرد.

**بخش نهم- شاخص­های رئیس‌جمهور مناسب برای علاج دردهای مزمن کشور**

شاخص­های دولت، رئیس‌جمهور و وزرا با توجه به ماهیت نظام، تغییرات محیطی، مسائل اساسی، مشکلات کشور و نیازهای جامعه تعیین می‌شود که برخی ثابت و برخی متغیر می­باشند. اما برای احصاء این شاخص‌ها به منبع و مرجعی جامع نیاز است که جمیع ابعاد و زوایای این موضوع مهم در آن دیده‌شده باشد. در این راستا بی­تردید بیانات و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب(مدظله­العالی) بهترین و جامع‌ترین منبع را در اختیار قرار می‌دهد.

ایشان با نگاهی همه‌جانبه به موضوع و نقش و جایگاه رئیس قوه مجریه، به‌تناسب شرایط و وضعیت کشور شاخص‌ها و معیارهایی در نظر می‌گیرند که خروجی آن انتخاب اصلح یا همان شایسته‌ترین فرد برای تصدی این جایگاه خطیر می‌شود. درواقع این شاخص‌ها به سهولت شناخت و تشخیص شایسته‌ترین نامزد از میان داوطلبان برای اداره کشور می‌انجامد که بیشترین تناسب را با وضعیت حاکم و ضرورت‌های حل مسائل و مشکلات مرتبط با این وضعیت داشته باشد. به تعبیر خود ایشان «ما هم نگاه می‌کنیم؛ تشخيص بدهيم، ترجيح بدهيم، ببينيم آن‌کسی كه می‌تواند براى انقلاب، براى كشور، براى آينده، براى عزت ملى، براى باز كردن گره مشكلات، براى ايستادگى قدرتمندانه و عزتمندانه در مقابل جبهه‌ معاندان، و براى الگو كردن جمهورى اسلامى در چشم مستضعفان عالم، بيشتر و بهتر تلاش كند، كيست؟»(امام خامنه­ای، 6/ 3/ 1392)

توجه کافی رأی­دهنده به این شاخص‌ها و مطابقت دادن آن با نامزدهای موجود به انتخاب اصلح یا شایسته منجر می‌شود. همان‌گونه که ایشان توصیه می‌فرمایند «دنبال يك فرد اصلحى بگرديد كه بتواند كشورتان را با همين سرعت، بلكه بيش از اين، پيش ببرد؛ هم در عرصه‌ مادى، هم در عرصه‌ معنوى. رئیس‌جمهورى که بتواند عزت شما را بالا ببرد، استقلال شما را عمیق‌تر كند، وضع زندگى شما را بهتر و مرفه‌تر كند، گره‌ها را باز كند، اميد و شور و شوقى در كشور به وجود آورد. اجمالاً معيار اصلى اين است كه كسانى سر كار بيايند كه همتشان بر حفظ عزت و حركت كشور در جهت هدف‌های انقلاب باشد. آنچه ما در اين سال‌های طولانى از خيرات و بركات به دست آورده‌ایم، به بركت هدف‌های انقلاب بوده است؛ هرجائی كه ما كم آورديم، عقب مانديم، شكست خورديم، به خاطر غفلت از هدف‌های انقلاب اسلامى و هدف‌های اسلامى بوده است. كسانى سر كار بيايند كه مصداق: «انّ الذّين قالوا ربنّا الله ثمّ استقاموا» باشند؛ اهل استقامت، اهل ايستادگى باشند؛ زرهى پولادين از ياد خدا و از توكل به خدا بر تن خودشان بپوشند و وارد ميدان شوند.»(امام خامنه­ای، 25/2/1392)

مروری بر شاخص‌های اعلامی از سوی فرماندهی معظم کل قوا(مدظله­العالی) برای ریاست جمهوری، در طول سال‌های گذشته، نشان‌دهنده تأکید معظم له بر موارد زیر است:

1- بلد بودن کار اجرائی و توانایی کشیدن بار اجرائی ریاست‌جمهوری(امام خامنه­ای، 19/10/1391)

2- برخورداری از حکمت، تدبیر و برنامه(امام خامنه­ای، 7/2/1392)

3- برخورداری از روحيه شجاعت و مقاومت در برابر دشمن(امام خامنه­ای، 7/2/1392)

4- برخورداری از امتیازات رئیس‌جمهور قبلی و نداشتن ضعف­های او(امام خامنه­ای، 1/1/1392)

5- پایبندی به منافع ملی، عقل جمعی و تدبیر (امام خامنه­ای، 1/1/1392)

6- دلبستگی و پایبندی به قانون اساسی (امام خامنه­ای، ۱۹/10/139۱)

7- داشتن شعارهایی منطبق با واقعیات و امکانات کشور(امام خامنه­ای، ۲۵/ 2/ 1392)

8- دانستن درد مردم و اجتناب از اشرافی­گری (امام خامنه­ای، ۲۲/ 2/ 1388)

9- عدم آلودگی به تملق‌گوئی غرب(امام خامنه­ای، 28/2/138۸)

10- عدم تأثيرپذیری از دشمن (امام خامنه­ای، 5/3/1384)

11- برخورداری از همت، قدرت و هوشمندی (امام خامنه­ای، ۱۷/2/1384)

12- محو نبودن در توهمات توسعه غربی (امام خامنه­ای، 17/2/1384)

13- اهتمام به رفع تبعیض در تمام جغرافیای کشور(امام خامنه­ای، ۱۱/2/1384)

14- توانمند در گسترش ثروت عظیم مردم(امام خامنه­ای، 1/1/1384)

15- توانمند در پیشبرد برنامه‌ها، در راستای سند چشم‌انداز کشور(امام خامنه­ای، 1/1/1384)

16- مؤمن به اهداف‌ و ارزش‌های انقلاب (امام خامنه­ای، 1/1/1384)

17- مبارزه واقعی با فساد و فقر و عوامل فقر (امام خامنه­ای، ۱۰/11/1383)

18- توانايی، شادابی، قدرت، احساس مسؤوليت و آمادگی به كار (امام خامنه­ای، ۱۰/11/1383)

19- عدم هرگونه نرمش در مقابل آمريكا و دخالت‌های دولت‌های غربى (امام خامنه­ای، ۱۷/2/۱۳۷۶)

20- برخورداری از تقوا و تدبير براى مقام مهم رياست جمهورى (امام خامنه­ای، 23/4/1368)

21- پایبندی به اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (امام خامنه­ای، 7/2/1392)

22- مهذب به اخلاق و نپرداختن به حاشیه‌ها (امام خامنه­ای، 7/2/1392)

23- تدین، تعهد، آمادگى و توانائی انجام كار بزرگ مدیریت عالی اجرائی كشور (امام خامنه­ای، 16/2/1392)

24- كارى، مردمى، مقاوم، ارزشى، باتدبير و قانون‌مدار باشد و درد مردم (امام خامنه­ای، 6/3/1392)

25- پیش برنده كشور در عرصه‌های مادی و معنوی(امام خامنه­ای، 6/3/1392)

26- انسانی شايسته‌، وارسته‌، با عزم، مؤمن، انقلابى و با همت جهادى (امام خامنه­ای، 25/2/1392)

27- توانایی بر دوش کشیدن بار سنگين ریاست‌جمهوری با امانت‌داری(امام خامنه­ای، 25/2/1392)

28- تلاش برای باز کردن گره مشكلات، ایستادگی، عزت ملی و آینده كشور (امام خامنه­ای، 6/3/1392)

29- نداشتن ریخت‌و‌پاش و تبلیغات زیاد از اندازه (امام خامنه­ای، 6/3/1392)

اما در سالیان اخیر که بروز پاره‌ای از مشکلات، به ایجاد نگرانی و دغدغه برای علاقه‌مندان و دلسوزان نظام انجامیده، مقام معظم رهبری(مدظله­العالی) سخن از راه علاج مشکلات کشور به میان آورده و انتخابات ریاست جمهوری را فرصتی برای عبور از مشکلاتی می‌دانند که ریشه در ناکارآمدی و ضعف مدیریت دارد. ایشان به‌صراحت اعلام داشته‌اند: «به نظر من، **علاج مشکلات کشور، دولت جوان حزب الهی و جوان مؤمن است** که می‌تواند کشور را از راه‌های دشوار عبور دهند.» (امام خامنه­ای، 28/2/1398)

از نگاه معظم له، علاج مشکلات کشور، تشکیل دولتی جوان، پرنشاط، پرتلاش، انقلابی، مؤمن و تحول‌گرا است که راه ورود نیروهای جدید و جوان را به عرصه‌های مدیریتی باز و زمینه‌ساز تغییر روند موجود در مدیریت اجرایی و کلان کشور یا قوه مجریه شود. توضیح ایشان پیرامون دولت جوان حزب الهی نشان می‌دهد که منظور دولتی پرکار، بانشاط و کارآمد است. معظم له توضیح خود را با شفافیت این‌گونه بیان می‌دارند: «مکرر گفته‌ام که به دولت جوان و حزب الهی معتقد و امیدوارم. اما معنای این حرف این نیست که یک جوان 32 ساله من‌باب مثال رئیس دولت باشد. بلکه معنای دولت جوان و حزب الهی یک **دولت پای‌کار و آماده و بانشاط و در سنین کار و تلاش** است که علاج مشکلات است و می‌تواند کشور را از راه‌های دشوار عبور دهد. **برخی در سنین بالاتر به معنای جوان و پرتلاش و بانشاط هستند، مانند شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی** که بیشتر از 60 سال داشت، اما اگر شهید نمی‌شد، او را تا ده سال دیگر درهمان مسئولیت می‌گذاشتم.»( همان)

معظم له بار دیگر سخن از علاج دردهای مزمن را در پیوند با عقب‌ماندگی‌های کشور با وجود دستاوردها و پیشرفت‌ها به انتخابات ریاست جمهوری نسبت می‌دهند. آنجا که در جمع مردم شریف آذربایجان شرقی فرمودند: «در این عقب‌ماندگی‌ها مقصر خود ما هستیم، خود ما مسئولین مقصریم، مردم هم در یک بخش‌هایی ممکن است دخالت داشته باشند. این عقب‌ماندگی‌ها باید جبران بشود. این به خاطر انقلابی عمل نکردن ما است، ما هرچه انقلابی عمل کردیم عقب‌ماندگی نداشتیم، هر جا از انقلاب کوتاه آمدیم، یک حرکت غیرانقلابی و ناشی از کسالت و بی‌توجهی انجام دادیم، عقب‌ماندگی به وجود آمد.(امام خامنه­ای، 29/11/1399).

تجربه سالیان اخیر و نگاه به عملکرد افراد و کارایی در برخی عرصه‌های راهبردی، تأییدکننده رهنمودهای حکیمانه فرمانده معظم کل قوا(مدظله­العالی) است. عملکرد شهیدان شهریاری، سلیمانی و فخری­زاده و پیشرفت‌های چشمگیر در عرصه­های دفاعی، نانو، سلول‌های بنیادی و... گویای توفیق، کارآمدی و پیشرفت در محل‌هایی است که روحیه کار، نشاط، تلاش و جهاد انقلابی وجود داشته است.

با نگاه به رهنمودهای سالیان اخیر رهبر فرزانه انقلاب(مدظله­العالی)، می‌توان ادعا کرد مهم‌ترین شاخص‌ها برای انتخاب رئیس‌جمهور اصلح عبارت‌اند از:

1- پای‌کار بودن و توان کار و فعالیت داشتن

2- روحیه نشاط و امیدواری

3- علاقه به تلاش و تنبلی نکردن

4- شجاعت و نترسیدن

5- پافشاری و استقامت برای حل مشکلات

6- انقلابی بودن و فداکاری برای ورود به میدان‌های خطر

با نگاه به ملاک‌های فوق و معرفی الگویی چون شهید سلیمانی برای علاج مشکلات فعلی، به نظر می‌رسد مدیریت توانمند و کارا می‌تواند کلید حل مشکلات و اداره کشور در شرایط پیش رو باشد.

**بخش دهم- گونه‌های رأی فرصت سوز**

انتخابات که متأثر از تصمیم و رفتار انسانی است، همچون سایر عرصه­های اقدام و عمل انسانی در معرض آسیب­های مختلفی قرار می‌گیرد. اما ازآنجاکه آثار این آسیب­ها در سرنوشت کشور اثرگذار است و بر رویکردها، کارکردها و عملکردهای نهادها و مجموعه­های منتخب تأثیر می­گذارد، توجه به آن برای اجتناب یا اصلاح اهمیت بسیار بالایی دارد. در این زمینه موارد متعددی قابل احصاء و بررسی هستند، اما در این مجال تنها به برخی آسیب­ها در فرایند انتخاب و رأی­دهی اشاره می‌شود که البته بیشترین تأثیر منفی را بر عملکرد رئیس­جمهور منتخب و دولت دارد:

**1- رأی بر اساس رویکرد انفعالی**

شرکت در انتخابات و رأی دادن همچون سایر اقدامات که مستلزم انگیزه، شناخت و تحرک برای اثربخش بودن نتیجه است، نیازمند توجه، صرف وقت و انرژی و کسب آگاهی برای شور بخشیدن به اصل مشارکت و رأیی آگاهانه و هوشمندانه برای انتخاب رئیس­جمهوری کارآمد و انقلابی است؛ رئیس­جمهور و دولتی که بتوانند در عین حفظ آرمان­ها و ارزش­های دینی و ملی، پاسخگوی مشکلات و نیازهای اساسی کشور و مردم نیز باشند. بااین‌وجود، برخی افراد با رویکردی منفعلانه در انتخابات ظاهر می­شوند که:

1-1- نسبت به شناخت جریانات سیاسی و نامزدهای انتخاباتی بی‌تفاوت‌اند

2-1- هیچ تلاشی برای ترغیب اطرافیان و دوستان برای شرکت در انتخابات به خرج نمی­دهند

3-1- در پاسخگویی به سئوال و نیاز اطرافیان به شناخت نامزدها و آگاهی از ملاک­ها و شاخص­ها ناتوان‌اند

4-1- در انتخاب نامزدها تابع فضا و جو غالب بوده و با دنباله­روی از دیگران رأی می­دهند

5-1- نسبت به نتیجه و تأثیر رأی توجهی نداشته و خروجی انتخابات برایشان یکسان است

حال آن­که در مقابل این رویکرد، برخی عناصر فعال حزبی و خطرناک­تر از آنان، عناصر مسئله­دار و مخالف نظام که به دنبال نفوذ در دولت و استفاده از جایگاه قوه مجریه برای اهداف سیاسی خاص هستند، فضا را به دست گرفته و با استفاده از رویکرد انفعالی برخی عناصر مدعی تدین و تقدس، اهداف خود را محقق می­سازند.

**2- رأی بر اساس رویکرد احساسی**

درحالی‌که انتخابات محل رفتاری سنجیده و عقلانی است که امکان انتخاب گزینه­ای شایسته­تر از میان نامزدها و درعین‌حال با توجه به واقعیت­های موجود را فراهم می­سازد، اما برخی افراد و گروه­ها رویکردی احساسی به آن داشته و هزینه­های بیهوده­ای را بر کشور تحمیل می­نمایند. حتی بسیاری افراد تحت تأثیر تبلیغات منفی و نامناسب، نه به‌منظور انتخاب یک نامزد برای منصب مهم ریاست جمهوری، بلکه برای جلوگیری از انتخاب نامزدی دیگر (و طبیعتاً بدون توجه به تبعات انتخاب خود)، در انتخابات شرکت کرده و کاملاً تحت تأثیر احساسات و القائات منفی در فضای رسانه­ای، در انتخابات شرکت می‌کنند. ویژگی­های رویکرد احساسی عبارت‌اند از:

1-2- اصلی و فرعی نکردن مسائل سیاسی- انتخاباتی

2-2- اتخاذ معیارهای حداکثری و طرد نامزدها با تلقی هرگونه ضعف احتمالی

3-2- عدم توجه به منطق رأی و رأی­آوری در انتخابات (ضرورت رسیدن به وحدت جبهه­ای و کسب اکثریت رأی)

4-2- تأثیرپذیری از علائق نسبت به شخصیت­های سیاسی خاص و مبنا قرار دادن عواطف در میدان سیاست

5-2- عدم توجه به پیامدهای عبور از منطق رأی و رأی آوری با تلقی ادای تکلیف و تکلیف­گرایی

6-2- تأثیرپذیری از فضای منفی تبلیغاتی دشمنان و معاندان و همچنین تبلیغات برخی نامزدها (که به‌جای تبلیغ خود و برنامه‌هایشان، به تخریب دیگر نامزدهای رقیب مبادرت می‌کنند)

موارد فوق موجب می‌شود صرفاً احساسات فرد (با توجیه انقلابی و تکلیف­گرایانه) بر او غلبه کرده و درنتیجه دست به انتخاب­هایی می­زند که معمولاً ندامت و پشیمانی را هم به دنبال دارد.

تغییر قانون انتخابات و افزایش سن رأی­دهندگان از 15 به 18 سال در راستای مدیریت این رویکرد به‌حساب می­آید. اما متأسفانه ضعف بصیرت نافذ، نگاه­های قشری و حاکمیت عواطف و علقه­های سیاسی موجب می‌شود این رویکرد در انتخابات تأثیرات منفی گذاشته و گاه بازیگران حرفه­ای با ایجاد دوگانه­های کاذب از آن برای اهداف انتخاباتی سوءاستفاده کنند. دوقطبی­های سیاسی در آستانه انتخابات برای مصادره این رویکرد می­باشد که نمونه آن دوقطبی­های "جنگ - صلح"، "محدودیت - آزادی" و "تحریم - رفاه" است.

**3- رأی بر اساس رویکرد نگاه صرف به منافع مادی**

درحالی‌که با انتخاب آگاهانه و هوشمندانه در انتخابات، ارتقاء امنیت و منافع ملی را می­توان تأمین کرد، اما گاهی توجه صرف به منافع حقیر مادی موجب می‌شود تا این فرصت طلایی از بین رفته و میدان برای فرصت­طلبان و سودجویان فراهم آید. این رویکرد آسیبی، هم از سوی نامزدها و هم رأی­دهندگان قابل‌تصور است. این رویکرد آسیبی موجب شده:

1-3- برخی از مجموعه­ها، گروه­ها و افراد فرصت­طلب برای تأمین منافع مادی پشت سر برخی از نامزدها قرارگرفته و با صرف هزینه­های سنگین، از آنان در رقابت­های انتخاباتی حمایت کنند.

2-3- برخی از رأی­دهندگان تحت تأثیر تبلیغات انتخاباتی و تصور دستیابی به منافع مادی، با فراموشی ارزش­ها و آرمان‌های انقلابی، دینی و ملی، به نامزدهایی رأی دهند که فاقد شایستگی و صلاحیت لازم هستند.

3-3- فاجعه‌آمیزترین شکل این آسیب، خریدوفروش رأی به‌حساب می­آید که درواقع نوعی خیانت به این حق و تکلیف سیاسی انقلابی و واگذاری میدان به فرصت­طلبان و خبیثان در عرصه رقابت­های انتخاباتی است.

4-3- یکی از پیامدهای نگاه صرفاً مادی به انتخابات، کاهش انگیزه مشارکت به دلیل عدم موفقیت یا سوءمدیریت دولت‌ها و تأثیرات آن بر وضعیت اقتصادی است.

نتیجه آرائی که تنها بر اساس محاسبات و منافع مادی و نگاه صرف به آن به صندوق­ها ریخته می‌شود، درست در نقطه مقابل نگرش به انتخابات به‌عنوان عاملی برای ارتقاء امنیت ملی و کارآمدی نظام و اعتلاء و پیشرفت کشور است. چنین رئیس­جمهوری به دلیل وام­دار بودن نسبت به افراد و گروه­های پیش­گفته، مستقیم یا غیرمستقیم مجبور به برآورده ساختن خواسته­های آنان بوده و بسیاری از امور مهم نظیر انتصابات یا سیاست­گذاری­ها تحت­تأثیر قرار خواهد گرفت.

**بخش یازدهم- پیامدهای عدم دقت در انتخاب رئیس‌جمهور اصلح**

همان­طور که در بخش­های قبل گفته شد، به دلیل اهمیت جایگاه و همچنین کارکردهای دولت و قوه مجریه، نوع عملکرد این مجموعه مهم در طول دوران تصدی چهارساله کیفیت و کمیت زندگی و معیشت مردم و همچنین سرنوشت کشور را به­طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ و حتی سایه این تأثیرات در بیشتر موارد تا سال‌ها بعد نیز همچنان بر امور باقی خواهدماند. رهبر معظم انقلاب(مدظله­العالی) این موضوع مهم را چنین مورد تأکید قرار داده­اند: «آنچه كه در این فاصله و در این فرصت مهم است، این است كه مردم علاوه بر همت بر حضور، همت بر انتخاب خوب هم داشته باشند. همان‌طور كه عرض كردیم، یك انتخاب خوب، یك انتخاب درست، نه‌فقط در طول چهار سال، گاهی در طول ده‌ها سال تأثیراتش برای كشور باقی می‌ماند.»(امام خامنه­ای، 25/2/1392)

بدین منظور و به دلیل اهمیت این مبحث، موضوع پیامدهای عدم دقت در انتخاب رئیس­جمهور به­طور جداگانه و در دو بعد داخلی و خارجی موردبررسی قرار خواهد گرفت:

**الف) بعد داخلی**

1- بروز یا تشدید مشکلات اقتصادی و تأثیر منفی مستقیم بر معیشت مردم

2- بروز و گسترش فساد اقتصادی و اداری در بدنه مدیریتی و اجرایی کشور

3- بروز یا تشدید آسیب­های فرهنگی و اجتماعی

4- کاهش سرمایه اجتماعی و ایجاد شکاف میان مردم و نظام و دوقطبی­سازی و درنتیجه، فراهم کردن زمینه برای فعالیت­های دشمنان و معاندان

5- تهدید دستاوردهای نظام در حوزه­های مختلف

6- عدم استفاده از ظرفیت عظیم تعامل میان قوای سه­گانه در جهت پیشرفت و بالندگی نظام

7- هدر رفتن استعدادها، ظرفیت­ها و امکانات کشور، به‌جای استفاده از آن‌ها در راستای پیشرفت کشور

8- ایجاد حواشی مختلف عمدتاً سیاسی برای نظام و تضعیف اخلاق سیاسی

**ب) بعد خارجی**

1- به حاشیه رفتن اهداف متعالی نظام در ابعاد منطقه­ای و جهانی

2- تحت­الشعاع قرار گرفتن دستاوردهای برجسته محور مقاومت

3- عدم استفاده مناسب از ظرفیت همکاری­های منطقه­ای و جهانی

4- هدر رفت منابع، انرژی و زمان در مسیر انتخاب‌های نادرست در سیاست خارجی

5- عدم استفاده درست از ظرفیت­های فرهنگی، تاریخی و تمدنی جمهوری اسلامی ایران در منطقه

6- افزایش هزینه­های نظام در حوزه سیاست خارجی و تعاملات بین­المللی به دلیل انتخاب مسیرهای نادرست و غیر منطبق با آرمان‌های نظام و واقعیت­های نظام بین­الملل

عواملی که موجب می‌شود رأی­دهنده دقت لازم برای انتخاب نامزدها را نداشته باشد می­توان در موارد زیر جستجو کرد:

1- عدم آگاهی و شناخت از اهمیت رأی و نتایج آن

2- نداشتن شناخت از اهمیت و جایگاه ریاست­جمهوری و قوه مجریه

3- بی­حوصلگی و مایه نگذاشتن برای انتخابات

4- تأثیرپذیری از تبلیغات دشمن علیه نظام و مرعوب شدن از فشارهای سیاسی، اقتصادی و ...

**بخش دوازدهم- چگونگی دستیابی به نامزد اصلح ریاست‌جمهوری**

در خصوص راه‌های دستیابی به کاندیدای اصلح نکات زیادی وجود دارد، اما نگاهی به برخی رهنمودهای مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) در این زمینه، بیش از بقیه موارد راهگشا است:

«برای انتخاب خوب باید فكر كرد، باید معیارها را شناخت... اجمالاً معیار اصلی این است كه كسانی سر كار بیایند كه همت­شان بر حفظ عزت و حركت كشور در جهت هدف‌های انقلاب باشد. آنچه ما در این سال‌های طولانی از خیرات و بركات به دست آورده‌ایم، به بركت هدف‌های انقلاب بوده است؛ هرجائی كه ما كم آوردیم، عقب ماندیم، شكست خوردیم، به خاطر غفلت از هدف‌های انقلاب اسلامی و هدف‌های اسلامی بوده است. كسانی سر كار بیایند كه مصداق: «انّ الّذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقاموا» باشند؛ اهل استقامت، اهل ایستادگی باشند؛ زرهی پولادین از یاد خدا و از توكل به خدا بر تن خودشان بپوشند و وارد میدان شوند. شعارها را نگاه كنید، ببیند شعارهایی كه تعیین می­كنند، چه جور شعارهایی است؟ گاهی بعضی‌ها - البته اشتباه می­كنند - برای جلب آراء، شعارهایی می‌دهند كه این شعارها از حدود قدرت و اختیاراتشان بیرون است؛ این‌ها را مردم هوشمند ما می‌توانند بشناسند، مراقبت كنند، دقت كنند. آنچه كه برای مردم لازم است، آنچه كه فوریت بیشتری دارد، آنچه كه با واقعیات و امكانات كشور سازگار است، آنچه كه به افزایش قدرت درونی ملت می‌انجامد، آن‌ها را در شعارهایشان بگنجانند؛ این یكی از معیارها است.»(امام خامنه­ای، 25/2/1392)

ایشان حتی انتخاب نامزد اصلح را همچون اصل شرکت در انتخابات یک تکلیف الهی و دارای اهمیتی ویژه تعریف می‌کنند: «همچنان که اصل انتخابات یک تکلیف الهی است، انتخاب اصلح هم یک تکلیف الهی است.»(امام خامنه­ای، 31/2/1376)

در خصوص شیوه کشف و انتخاب فرد اصلح نیز مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) در مقاطع مختلف نکته­ها و شیوه­هایی را بیان نموده­اند. توجه به این نکته­ها می‌تواند ما را در چگونگی کشف فرد اصلح راهنمایی نماید.

«این را من قبلاً هم گفتم، حالا هم تکرار می­کنم، بگردید؛ از خدا هم کمک بخواهید، از آدم‏هاى مطلع و امین و باصداقت کمک بخواهید.»‌(امام خامنه­ای، 22/12/1386)

رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) در باب تأکید بر لزوم ادای تکلیف و نه نتیجه گرایی نیز فرموده­اند: «نکته بعدى در باب انتخابات این است که مردم باید به فکر شناخت اصلح باشند؛ چون امر کوچکى نیست. مسئله انتخابات، مسئله سپردن سرنوشت بخش عمده امکانات کشور به یک نفر و یک مجموعه است. سرنوشت مسائل اقتصادى، مسائل فرهنگى، روابط خارجى و مسائل گوناگون دیگر تا حدود زیادى به این قضیه وابسته است... شوراى نگهبان طبق وظیفه قانونى خود، کسانى را که ازلحاظ معیارهاى قانونى صلاحیت‌دارند، مشخص خواهد کرد. سپس من و شما بایستى در بین این مجموعه نگاه کنیم و کسى را که اصلح است، انتخاب کنیم. این هم وظیفه بسیار مهمى است.»(امام خامنه­ای، 11/2/1380)

«برای برداشتن گام­های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ­ها به‌جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت.»(بیانیه گام دوم انقلاب)

خلاصه کلام معظم­له در خصوص راه‌های شناخت کاندیدای اصلح از میان افراد حاضر درصحنه، تحقیق و کسب اطلاعات در مورد میزان تعهد افراد به مکتب اسلام، انقلاب و رهبری، نظام و مردم، میزان تجربه، تخصص و کارآمدی، میزان توانمندی، گرایش­های سیاسی و سایر موارد مطرح‌شده و درنهایت توکل به خداوند متعال برای انتخاب درست است.

به­طور خلاصه راه‌های شناخت کاندیدای اصلح به‌قرار زیر هستند:

**1- مطالعه و بررسی مواضع احزاب و جریانات سیاسی و کاندیداها:** اگر برای رأی‌دهندگان مقدور باشد باید به‌صورت شخصی به دنبال مطالعه و بررسی سوابق، مواضع و عملکرد احزاب و جریانات سیاسی و نامزدها برآیند. اما ازآنجاکه برای غالب رأی­دهندگان این فرصت و امکان فراهم نیست، استفاده از جلسات بصیرتی و مطالعه نشریات آگاه‌سازی سیاسی راه میان­بر و شیوه­ای منطقی محسوب می‌شود.

**2- مراجعه به افراد معتمد و اعتماد به مشاوره آنان:** هرچند مردم شریف ایران به برکت انقلاب اسلامی از رشد سیاسی بالایی برخوردارند، اما مشاوره با افراد آگاه و متدین برای شایسته­گزینی در انتخابات و افزایش ضریب آگاهی نسبت به گروه‌های سیاسی و نامزدهای انتخاباتی، یک ضرورت لازم و گاهی اجتناب­ناپذیر به‌حساب می­آید. در این راستا حضرت امام خمینی(ره) می­فرماید: «جامعه اسلامی ایران که به این بیعت و این پیمان بزرگ وفادار مانده­اند، مسلم قدرت انتخاب اصلح را دارند، البته مشورت در کارها از دستورات اسلامی است و مردم با متعهدین و معتمدین خویش مشورت می­نمایند.»(صحیفه نور، ج20، ص194) همچنین معظم­له بین اعتماد برای مشورت و آزادی انتخاب منافاتی قائل نبوده و تصریح دارند: «مردم با علما و اشخاص مورد اعتمادشان مشورت کنند، بعد به هر کس که خواستند رأی دهند.»(همان، ج18، ص179) در این راستا، خلف صالح ایشان مقام معظم رهبری(مدظله­العالی) نیز توصیه مشابه داشته و به مردم شریف ایران فرموده­اند: «مردم باید بگردند و بشناسند و اگر قرار است برای شناختن به توصیه کسانی گوش کنند، آنان را برای شنیدن توصیه­شان انتخاب کنند که به آن‌ها واقعاً اطمینان داشته باشند و با دلی آسوده و خالی از شک بتوانند به معرفی آنان عمل کنند.»(امام خامنه‌ای، 15/11/1362) همچنین معظم­له در موردی دیگر به مردم توصیه می‌کنند: «مردم هم نگاه کنند و اصلح را انتخاب کنند... شما تلاش خود را بکنید؛ مشورت خود را بکنید؛ از کسانى که فکر مى‌کنید مى‌توانند شما را راهنمایى کنند، راهنمایى بخواهید؛ به هر نتیجه‌اى که رسیدید، عمل کنید و رأى بدهید؛ اجر شما را خداى متعال خواهد داد. ما مأموریم که به آنچه مى‌فهمیم و به آنچه تکلیف الهى تشخیص مى‌دهیم، عمل کنیم؛ مطابق با واقع شد یا نشد، اجر ما محفوظ است. اجر کسى که عامل به تکلیف است، پیش خداى متعال محفوظ است.»(امام خامنه­ای، 3/3/1384)

بدیهی است در مشورت گرفتن از افراد و معتمدین باید به تدین، شناخت و آگاهی و عدم وابستگی آن‌ها به احزاب و گروه‌های سیاسی اطمینان داشت. همان­گونه که امام علی(ع) فرموده­اند: «مَن شاوَرَ ذَوِی اَلالباب، دُلَّ عَلَی الصَّواب»(هر کس با صاحبان اندیشه مشورت کند، به راه راست هدایت می‌شود.)(بحارالانوار، ج77، ص422) و امام صادق(ع) نیز می‌فرمایند: «شاوِر فی اَمرِکَ الَّذینَ یَخشَونَ الله عَزَّوَجَل»(در امور خود با کسانی که از خدا می­ترسند مشورت کن.)(الخصال، ج1، ص169) بر همین اساس حضرت امام خمینی(ره) در وصیت­نامه سیاسی الهی خود برای پیش­گیری از تکرار واقعه تلخ مشروطه، مشورت با روحانیون و طبقه تحصیل­کرده و دانشگاهی مشهور به تقوا و متعهد به جمهوری اسلامی را به مردم توصیه کرده­اند.

**3- مراقبت در مقابل تبلیغات کاذب و عدم تأثیرپذیری از آن‌ها:** دشمنان انقلاب و نظام اسلامی که در چهل‌ودو سال گذشته همواره پایان انقلاب و شکست نظام را آرزو داشته و القاء کرده­اند، برای پیش­برد دشمنی خود از ابزار تبلیغی، رسانه­ای و جنگ روانی استفاده فراوانی نموده و دست به تخطئه و فریب در شرایط و موقعیت­های سرنوشت­ساز زده­اند. انتخابات یکی از موقعیت­های سرنوشت­سازی است که دشمن نیز تبلیغات کاذب، اقدامات رسانه­ای و جنگ روانی خود را بر آن متمرکز و تشدید می‌کند. در چنین شرایطی دشمن برای کمک به جریانات و چهره­های غرب­گرا، نفوذی و واداده و تخریب جریانات و چهره­های انقلابی، جهادی و کارآمد، از ابزار رسانه­ای و تبلیغی خود سود می­جوید که خنثی­سازی آن نیاز به شناخت و تجربه دارد. در این راستا مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) می‌فرمایند: «در طول این چهل سال – و اکنون مانند همیشه – سیاست تبلیغی و رسانه­ای دشمن و فعال­ترین برنامه­های آن، مأیوس­سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل­های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت­ها، پنهان کردن جلوه­های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه­های همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله­های آنان در داخل کشور نیز قابل‌مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی­ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند.»(بیانیه گام دوم انقلاب)

**بخش سیزدهم- انتظار از خانواده بزرگ ن.م. در انتخابات سیزدهمین دوره ریاست‌جمهوری**

خانواده بزرگ نیروهای مسلح با انتساب به فرماندهی معظم کل قوا(مدظله­العالی) از یک‌سو موظف به رعایت قوانین و ضوابط مرتبط با فعالیت­های سیاسی بوده و از سوی دیگر به‌عنوان شهروندان نظام مقدس جمهوری اسلامی، دارای حق استفاده از رأی خود در انتخابات می­باشند. درواقع انتظار کلی از نیروهای مسلح این است که نسبت به تحقق راهبردهای انتخاباتی فرماندهی معظم کل قوا(مدظله­العالی) یعنی مشارکت حداکثری، انتخاب هوشمندانه و آگاهانه، و افزایش کارایی و کارآمدی نظام کمک کرده و از سویی ضوابط و چارچوب­های قانونی تعیین‌شده برای نیروهای مسلح را مراعات نمایند. این ضوابط عبارت‌اند از:

1- عدم ورود به دسته­بندی­ها و جناح­های سیاسی

2- عدم استفاده از موقعیت، امکانات و اموال دولتی در اختیار برای تبلیغ له یا علیه نامزدهای انتخاباتی

همچنین بخشی از نیروهای مسلح وظیفه تأمین امنیت انتخابات و حفظ ثبات و آرامش و امنیت عمومی کشور را برای برگزاری انتخابات بر عهده‌دارند که انجام آن مستلزم رعایت ضوابط و قواعد قانونی مشخص و ابلاغی است.

رعایت ضوابط و قوانین مشخص­شده برای فعالیت­های سیاسی نیروهای مسلح که امری لازم، مطاع و قطعی است، مغایرتی با مشارکت آگاهانه و مؤثر نیروهای مسلح نداشته و اتفاقاً همسو با رسالت و اهداف کلانی است که در رأس آن حفظ و ارتقاء اقتدار و امنیت ملی قرار دارد. در شرایطی که دشمنان با به­کارگیری تهدید ترکیبی و پیچیده به دنبال بی­ثبات­سازی و یا نفوذ و فشل­سازی مجموعه­ها و دستگاه­های راهبردی نظام می­باشند، انتخابات با کارکردهای زیر می‌تواند در خنثی­سازی راهبرد دشمن و تقویت امنیت کشور ایفای نقش کند:

1- اثبات برخورداری نظام از پشتوانه مردمی و داشتن مقبولیت با مشارکت حداکثری مردم در انتخابات

2- اثبات برخورداری نظام از اجماع همه جناح­ها و علایق سیاسی بر قابل‌اعتماد بودن نظام و امکان رقابت سیاسی درون آن

3- اعتماد رأی­دهندگان به امکان گردش قدرت و پاسداشت رأی آن‌ها توسط نظام

4- امکان افزایش کارآمدی با گردش قدرت و تغییر افراد از طریق رأی در راستای حضور افراد شایسته و توانمند در قدرت

با توجه به موارد فوق، از خانواده بزرگ نیروهای مسلح انتظار می­رود:

1- تمامی آنان نه‌تنها در انتخابات شرکت داشته باشند، بلکه بستگان و اطرافیان را نیز تشویق و ترغیب به شرکت نمایند.

2- با شناخت شرایط و اوضاع داخلی، منطقه­ای و بین­المللی و نیازها و مسائل اساسی کشور، معیارها و شاخص­های رئیس­جمهور و دولت در تراز انقلاب را دقیق و عمیق بشناسند.

3- حضور آنان کاملاً فعال و آگاهانه بوده و فرد موردنظر خود را با شناخت و آگاهی انتخاب و توان آگاهی­بخشی و بصیرت­افزایی به سایرین را داشته باشند.

4- در نگاه به انتخابات از منافع مادی صرف عبور کرده، مصالح نظام و منافع ملی و افزایش کارآمدی را مدنظر قرار دهند.

5- از هرگونه گرایش و رفتار احساسی خودداری و به مصالح نظام و منافع ملی توجه نمایند.

6- در فضای مسموم رسانه­ای و تبلیغی علیه نظام، با هوشمندی و بصیرت حاضر شده و با تلاش برای افزایش سواد رسانه­ای، در خصوص ابزارها، ترفندها و اقدامات دشمنان و معاندان برای سایر وابستگان نیز روشنگری نمایند.

7- ازآنجاکه متأسفانه در سالیان اخیر، دشمنان به دنبال سوءاستفاده از شرایط انتخاباتی برای اهداف شیطنت­آمیز خود هستند، مجموعه نیروهای مسلح باید به حفظ فضای آرامش کمک نمایند.

برآورده شدن انتظارات فوق قبل از هر چیز درگرو آگاهی و بصیرت نافذ است که از طریق آن ضمن شناخت جریانات سیاسی و نامزدهای انتخاباتی، شاخص­ها و معیارهای معطوف به صیانت از ارزش­ها و آرمان‌های انقلابی و در همان حال، نیازها و مسائل اساسی مردم و کشور معلوم شود تا امکان انتخاب و تعیین رأی دقیق، آگاهانه و مؤثر برای کارآمدی، استحکام، اقتدار و امنیت کشور فراهم گردد. یک عامل اساسی در چنین فرایندی توجه به آثار شرکت در انتخابات و رأی آگاهانه است که موجب انگیزه حضور و دقت در رأی می‌شود. حضرت امام خمینی(ره) برای جلوگیری از انفعال نیروهای مؤمن و انقلابی و تقویت انگیزه و اهتمام آنان در انتخابات، سال‌ها قبل از آن­که نگاه ابزاری دشمنان انقلاب به انتخابات معلوم شود به‌صراحت هشدار دادند که: «اگر مؤمنین کنار بروند، آن‌هایی که متعهد به اسلام هستند کنار بروند و این‌ها بیایند و قبضه کنند، مثل صدر مشروطه که رفتند کنار اشخاصی که متعهد بودند و قبضه کردند مشروطه را آن‌هایی که متعهد به اسلام نبودند، اسلام را به آنجا کشاندند که همه دیدید. اگر در صدر مشروطه علما آمده بودند در میدان، مؤمنین آمده بودند، روشنفکرهای متعهد آمده بودند و مسلمان­های متعهد آمده بودند و قبضه کرده بودند مجلس را و نگذاشته بودند که دیگران بیایند مجلس را بگیرند، ما به این روزگار نمی­رسیدیم، ما مملکتمان خراب نمی­شد.»(صحیفه نور، ج12، ص7)

خانواده بزرگ نیروهای مسلح، با نگاه به نقش و پیامد شرکت پرشور در انتخابات و انتخاب اصلح در سرنوشت کشور، نه­تنها با شورونشاط و آگاهی پای صندوق­های رأی می­آیند، بلکه در پیوند با زیربنای فکری دینی خود و سنت الهی که «انّ الله لایغیّر ما بقومٍ حتّی یغیّروا ما بانفسهم»، این حضور را جهاد و ایفای نقش در جهت تقویت نظام می­دانند. ازاین­رو، این مشارکت همراه با آگاهی و تلاش برای انتخاب اصلح همراه با شورونشاط خواهد بود، چرا که این اقدام در اتصال به عقیده دینی به نصرت الهی، هرگونه کسالت و خستگی را می­تاراند و هم­راستا با این پیام الهی که «اِن تنصروالله ینصرکم و یثبّت اقدامکم»، او را به آینده اقدامش نیز امیدوار می­سازد.

1. 22/11/1362 [↑](#footnote-ref-1)
2. 14/12/1362 [↑](#footnote-ref-2)